پژوهشنامه فقه اجتماعی

Journal of
Social Jurisprudence Research

An Analysis of the Hybrid Model of Mudarabah and Wakalah in Takaful Institutions Based on Imami Jurisprudence

Sayyid Mohammad Mahdi Tadayyon Eslami* / Reza Mirzakhani

Stable URL: https://doi.org/10.30497/sj.2026.248557.1484

بررسی الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت در نهاد تکافل براساس فقه امامیه

سیدمحمدمهدی تدین اسلامی* / رضا میرزاخانی

پیوند دائمی: https://doi.org/10.30497/sj.2026.248557.1484

Copyright 2025 The Author(s)
Published by Imam Sadiq University , Tehran, Iran
This work is fully Open Access under theCreative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowingnon-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, providedthe original work is properly cited and not modified Social Jurisprudence research strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE) which all readers,authorsreviewers, and editors are expected to observe and uphold

Print ISSN 2981-0019 Online ISSN 2981-0027

Research Letter of Social Jurisprudence
Vol. 13 | Isuue 2 | Serial 26 | Spring & Summer 2025 | Pages 547-585
Research Article | Recived: 2025/07/14 | Accepted: 2025/12/03
10.30497/sj.2026.248557.1484

An Analysis of the Hybrid Model of Mudarabah and Wakalah in Takaful Institutions Based on Imami Jurisprudence

Sayyid Mohammad Mahdi Tadayyon Eslami: M.A. Graduate in Jurisprudence and the Foundations of Islamic Law, Department of Jurisprudence and the Foundations of Islamic Law, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
sm.tadayyon@isu.ac.ir
Reza Mirzakhani: Assistant Professor, Department of Jurisprudence and the Foundations of Islamic Law, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
r.mirzakhani@isu.ac.ir

Abstract

1. Introduction and Objective

Takaful, as an Islamic alternative to conventional insurance, is based on the principles of cooperation (*taʿāwun*) and donation (*tabarruʿ*), and has gained significant importance in the Islamic financial system in recent years. Among Takaful operational models, the hybrid structure of Mudarabah and Wakalah holds special significance due to combining the advantages of both contracts and addressing the limitations of individual models. This study aims to analyze the impact of this combination on the structure and function of Takaful and to identify its unique features, which are not attainable in pure Mudarabah or pure Wakalah models.

2. Methods and Materials

This research is conducted using a descriptive–analytical method based on library research. First, the nature and mechanism of combining the two contracts of Mudarabah and Wakalah within the Takaful structure are examined; subsequently, the foundations of this model are evaluated, citing sources from Imami jurisprudence and Iranian legal regulations.

3. Research Findings

The results demonstrate that the combination of Mudarabah and Wakalah creates a synergistic structure that transcends the independent characteristics of each contract. Separating managerial and investment duties enables more efficient distribution of risk and returns. Furthermore, the use of ancillary contract terms, reserve funds, and supplementary obligations mitigates the challenge of liability for losses. The jurisprudential analysis also confirms the legitimacy of this model based on principles such as the presumption of validity (*aṣālat al-ṣiḥḥah*), domination (*taslīṭ*), and freedom of contract.

Research Letter of Social Jurisprudence
Vol. 13 | Isuue 2 | Serial 26 | Spring & Summer 2025 | Pages 547-585
Research Article | Recived: 2025/07/14 | Accepted: 2025/12/03
10.30497/sj.2026.248557.1484

4. Discussion and Conclusion

Due to its high flexibility, the ability to design diverse products, and the precise regulation of legal relationships between parties, the hybrid model can serve as an efficient model for the Takaful industry in Iran. However, its ultimate efficacy requires the formulation of a clear legal framework, the establishment of a specialized regulatory system, and the promotion of education and awareness in the field of Takaful.

Keywords: Takaful; Hybrid Model; Mudarabah; Wakalah; Imami Jurisprudence; Islamic Insurance; Composite Contracts.

سال سیزدهم | شماره دوم | پیاپی ۲۶ | بهار و تابستان ۱۴۰۴ | صفحات ۵۴۷-۵۸۵
مقاله پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

بررسی الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت در نهاد تکافل براساس فقه امامیه

سیدمحمدمهدی تدین‌اسلامی: دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول). sm.tadayyon@isu.ac.ir

رضا میرزاخانی: استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران. r.mirzakhani@isu.ac.ir

چکیده

۱. مقدمه و هدف

تکافل به‌عنوان جایگزین اسلامی بیمه متعارف، بر اصول تعاون و تبرع استوار است و طی سال‌های اخیر جایگاه مهمی در نظام مالی اسلامی یافته است. از میان الگوهای عملیاتی تکافل، ساختار ترکیبی مضاربه و وکالت به دلیل جمع میان مزایای دو عقد و رفع محدودیت‌های الگوهای منفرد، اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف این پژوهش تحلیل تأثیر این ترکیب بر ساختار و کارکرد تکافل و شناسایی ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن است که در الگوهای صرف مضاربه یا صرف وکالت قابل دستیابی نیست.

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق با روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. ابتدا ماهیت و سازکار ترکیب دو عقد مضاربه و وکالت در ساختار تکافل بررسی شده و در ادامه، مبانی این الگو با استناد به منابع فقه امامیه و مقررات حقوقی ایران ارزیابی شده است.

۳. یافته‌های تحقیق

نتایج نشان می‌دهد که ترکیب مضاربه و وکالت، ساختاری هم‌افزا ایجاد می‌کند که فراتر از ویژگی‌های مستقل هر عقد است. تفکیک وظایف مدیریتی و سرمایه‌گذاری، امکان توزیع کارآمدتر ریسک و بازدهی را فراهم می‌سازد. علاوه بر این، استفاده از شروط ضمن عقد، صندوق‌های ذخیره و تعهدات تکمیلی، چالش ضمان خسارات را کاهش می‌دهد. تحلیل فقهی نیز مشروعیت این الگو را بر اساس قواعدی چون اصالة الصحة، تسلیط و آزادی قراردادها تأیید می‌کند.

سال سیزدهم | شماره دوم | پیاپی ۲۶ | بهار و تابستان ۱۴۰۴ | صفحات ۵۴۷-۵۸۵
مقاله پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

۴. نتیجه‌گیری

الگوی ترکیبی به دلیل انعطاف‌پذیری بالا، امکان طراحی محصولات متنوع و تنظیم دقیق روابط حقوقی میان طرفین، می‌تواند مدلی کارآمد برای صنعت تکافل در ایران باشد. با این حال، کارآمدی نهایی آن مستلزم تدوین چارچوب قانونی مشخص، ایجاد نظام نظارتی تخصصی و تقویت آموزش و فرهنگ‌سازی در حوزه تکافل است.

واژگان کلیدی: تکافل؛ الگوی ترکیبی؛ مضاربه؛ وکالت؛ فقه امامیه؛ بیمه اسلامی؛ عقود مرکب.

مقدمه

بیمه‌های تجاری از گذشته به لحاظ فقهی مورد تایید قرار گرفته‌اند و در حال حاضر در بسیاری از کشورها اجرا می‌شود. با این حال، برخی از علمای اهل‌سنت به دلایل فقهی همچون: وجود غرر، ربا، قمار و مطابقت نداشتن با قرآن با این بیمه‌ها مخالفند. این مخالفت‌ها باعث ایجاد نهاد تکافل شده است که مبتنی بر عقود معینه اسلامی طراحی شده است. نهاد تکافل به عنوان جایگزینی برای بیمه‌های مرسوم معرفی شده و در آن از عقود مانند مضاربه، وکالت، وقف و نذر برای ساختار این بیمه استفاده می‌شود.

تکافل در واقع از چندین عقد شرعی تشکیل شده است که در کنار یکدیگر ماهیتی جدید و مستقل به وجود می‌آورد. به عنوان مثال، در تکافل مبتنی بر مضاربه، هدف تنها کسب سود نیست، بلکه هدف‌هایی همچون تعاون در برابر خطرات و کمک‌های خیریه نیز در نظر گرفته می‌شود. در این نوع بیمه، کمک متقابل افراد برای پوشش ریسک‌های احتمالی و تقسیم خسارت‌ها شکل می‌گیرد. در این راستا، تکافل به‌عنوان عقدی مستقل شناخته می‌شود که در آن همکاری و مشارکت در برابر ریسک‌ها و حوادث احتمالی از اهداف اصلی آن است. این نوع بیمه براساس همکاری متقابل افراد برای تأمین امنیت مالی و جبران خسارت‌های ناشی از حوادث طراحی شده است.

در بسیاری از کشورهای اسلامی، الگوی مضاربه محض به‌عنوان اولین مدل تکافل استفاده شده است که در آن شرکت‌های تکافل و شرکای آن تنها از درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها سهم می‌برند، اما برای برطرف کردن برخی نواقص این الگو، الگوهای دیگر نظیر مضاربه تعدیل‌شده و وکالت معرفی شده‌اند. در الگوی مضاربه تعدیل‌شده، پس از پرداخت هزینه‌های مدیریت، سود باقی‌مانده میان شرکت و صندوق تکافل تقسیم می‌شود و در صورت ضرر، از منابع صندوق سهامداران قرض الحسنه تأمین می‌شود.

الگوی وکالت نیز در کشورهای مختلف اسلامی، مانند مالزی و بحرین به‌کار گرفته شده است. در این الگو، شرکت‌های تکافل تنها به‌عنوان عامل اجرایی عمل می‌کنند و از صندوق شرکت به‌عنوان حق‌الوکاله استفاده می‌کنند. در این الگو، شرکت تکافل از سود سرمایه‌گذاری‌ها بهره‌مند نمی‌شود و تنها از خدمات خود دستمزد دریافت می‌کند.

در نهایت، الگوی ترکیبی وکالت و مضاربه یکی از پرکاربردترین مدل‌ها در تکافل‌های اسلامی است. این مدل به‌عنوان الگوی اجرایی در کشورهای اسلامی شناخته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این الگو، شرکت‌های تکافل از هر دو قرارداد وکالت برای پذیره‌نویسی و مضاربه برای مشارکت در سرمایه‌گذاری‌ها استفاده می‌کنند. این الگو مورد تایید سازمان‌های اسلامی مانند AAOIFI است و به‌عنوان مدلی مؤثر در تقویت نهادهای تکافل شناخته می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

بررسی جامع پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تکافل نشان می‌دهد که مطالعات موجود عمدتاً بر جنبه‌های کلی تکافل یا بررسی الگوهای منفرد متمرکز بوده‌اند و تحلیل عمیق و جامعی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد الگوی ترکیبی ارائه نداده‌اند. این بخش به بررسی انتقادی مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط و شناسایی دقیق خلأهای تحقیقاتی می‌پردازد.

کیخای فرزانه، اسماعیلی و عسکری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تکافل خانواده در قالب الگوی وکالت از دیدگاه فقه امامیه، عامه و حقوق ایران»، صرفاً به تحلیل الگوی وکالت محض پرداخته‌اند. نویسندگان در این پژوهش به بررسی امکان‌سنجی اجرای تکافل خانواده با استفاده از عقد وکالت در نظام حقوقی ایران پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که این الگو از لحاظ فقهی و حقوقی قابل اجراست (کیخای فرزانه و همکاران، ۱۳۹۴، صص. ۲۷-۳۱). اگرچه این پژوهش در زمینه خود ارزشمند است، اما دو نقص عمده دارد: اول اینکه، تنها به یک الگوی منفرد (وکالت) می‌پردازد و دوم اینکه، به محدودیت‌های این الگو در تأمین منابع پایدار برای شرکت تکافل اشاره نمی‌کند. در الگوی وکالت محض، شرکت تنها حق‌الوکاله دریافت می‌کند و از سودهای احتمالی سرمایه‌گذاری محروم است که این امر پایداری مالی شرکت را با چالش مواجه می‌کند.

آقامهدوی، اسماعیلی گیوی و کاوند (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی الگوهای بیمه اسلامی (تکافل) مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی»، الگوی مضاربه محض را مورد تحلیل قرار داده‌اند. یافته مهم این پژوهش آن است که الگوهای تکافل

مبتنی بر مضاربه، با وجود استفاده از عقود اسلامی، به‌صورت عقود ترکیبی طراحی شده‌اند که کاملاً با اهداف اولیه این عقود تطابق ندارند (آقامهدوی و همکاران، ۱۳۹۳، صص. ۵۲-۵۸). این یافته، اهمیت بررسی دقیق‌تر الگوهای ترکیبی را برجسته می‌سازد، اما متأسفانه خود پژوهش به این موضوع نمی‌پردازد. همچنین، نویسندگان به مشکل اساسی الگوی مضاربه محض، یعنی عدم درآمد شرکت در صورت زیان سرمایه‌گذاری، اشاره کرده‌اند، اما راه‌حل مشخصی ارائه نداده‌اند.

محمدی (۱۳۹۳) در رساله دکتری خود با عنوان «الگوی بهینه تکافل بر مبنای فقه امامیه از منظر ذینفعان»، رویکرد متفاوتی اتخاذ کرده است. وی با استفاده از نظریه نمایندگی و مدل کارگزار-کارفرما، به تحلیل تضاد منافع میان متصدی تکافل و مشترکین پرداخته و پیشنهاداتی برای محدود کردن اختیارات متصدی ارائه کرده است (محمدی، ۱۳۹۳، صص. ۱۷۸-۱۹۵). نقطه قوت این پژوهش، توجه به جنبه‌های حاکمیت شرکتی و تضاد منافع است، اما نقص عمده آن عدم توجه به این واقعیت است که الگوی ترکیبی می‌تواند از طریق تفکیک نقش‌ها و ایجاد مکانیزم‌های نظارتی، بسیاری از این تعارضات را حل کند. محمدی همچنین به تحلیل تطبیقی الگوها نپرداخته و مزایای نسبی الگوی ترکیبی را بررسی نکرده است.

صالحی (۱۳۹۴) در پژوهش «بررسی فقهی حقوقی الگوی مطلوب تکافل در ایران»، طیف وسیع‌تری از الگوها شامل وکالت، مضاربه، وکالت-وقف، بیع موجل، سلم، جعاله، ودیعه، اجاره، ضمان و شرکت را بررسی کرده‌اند. نتیجه‌گیری آنها این است که الگوی شرکت مناسب‌ترین گزینه برای ایران است (صالحی، ۱۳۹۴، ص. ۸۷). اگرچه این پژوهش از نظر جامعیت قابل تقدیر است، اما تحلیل سطحی الگوها و عدم توجه به امکان ترکیب عقود، از نقاط ضعف آن محسوب می‌شود. نویسندگان به این نکته مهم توجه نکرده‌اند که ترکیب عقود می‌تواند نقاط ضعف هر عقد را پوشش دهد.

امیرپور (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مبانی فقهی و حقوقی نهاد تکافل و مقایسه آن با عقود مشابه» به تحلیل مفهوم نهاد تکافل و مزایای آن پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که نهاد تکافل به‌لحاظ مدیریت خطر و تأکید بر روحیه تعاون و تقویت رابطه اخوت میان افراد، تفاوت‌های اساسی با قراردادهایی همچون مضاربه، مشارکت، هبه و ضمان دارد. نویسنده بیان می‌کند که این نوع بیمه مزایای متعددی از

جمله: مدیریت خطر، انتفاع طرفین، مشارکت بهینه در سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و افزایش امنیت ذهنی را در مقایسه با بیمه‌های رایج داراست. از دیدگاه اسلام، مشروعیت این نوع بیمه با استناد به عمومات و اطلاقات اصولی مانند اوفوا بالعقود، احل الله البیع، تجاره عن تراض، المومنون عند شروطهم و نیز اصل جواز معاوضه قابل اثبات است. این مقاله همچنین مشروعیت نهاد تکافل را از منظر حقوق موضوعه بر مبنای اصولی مانند آزادی اراده، حصری نبودن عقود و اعتبار قراردادهای نامعین که در عرف رایج هستند، تحلیل کرده و تفاوت آن را با قراردادهای مشابه تبیین می‌کند (امیرپور، ۱۳۹۷، صص. ۶۹-۸۲).

بررسی انتقادی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خلأهای تحقیقاتی مهمی وجود دارد: اول، هیچ‌یک از پژوهش‌های موجود به تحلیل عمیق مکانیزم ترکیب دو عقد امانی و نحوه حل مسئله ضمان پرداخت خسارات نپرداخته‌اند. دوم، ویژگی‌های هم‌افزایی الگوی ترکیبی که فراتر از جمع ساده دو عقد است، شناسایی و تبیین نشده است. سوم، راهکارهای حل تعارض منافع در نقش دوگانه شرکت تکافل بررسی نشده است. چهارم، تحلیل تطبیقی جامعی از کارایی الگوی ترکیبی در مقایسه با الگوهای منفرد انجام نشده است. و پنجم، چارچوب اجرایی مشخصی برای پیاده‌سازی این الگو در نظام حقوقی ایران ارائه نشده است. این پژوهش تلاش می‌کند با تمرکز بر این خلأها، سهم علمی قابل توجهی در توسعه ادبیات تکافل داشته باشد.

۲. مبانی نظری تکافل در فقه عامه و امامیه

۲-۱. تکافل در فقه عامه

در مفهوم اصطلاح فقهی نهاد بیمه اسلامی (تکافل) اختلاف نظر وجود دارد. برخی از محققان یکی از تعاریف ارائه شده برای نهاد تکافل را منعکس از بیانیه شورای عالی علماء سعودی دانسته است. (Salman, 2013, p. 340) بیمه تعاونی از عقود تبرعی است که مقصود از آن در سرشکن شدن خطرها و اشتراک در تحمل آنها و پذیرفتن مسئولیت خطرها در هنگام نزول بلایا، اصل تعاون و همیاری می‌باشد. این هدف اصل تعاون از طریق سپرده گذاری اشخاص با وجوه نقدی تأمین می‌شود. وجوه نقدی مزبور برای جبران خسارت افراد متضرر تخصیص یافته است، پس گروه‌های بیمه تعاونی

تجارت و کسب سود از اموال دیگران را به عنوان هدف خود قرار نمی‌دهند، تنها قصد آنها توزیع خطر و همیاری در پذیرش آن بین خودشان می‌باشد. بیمه تعاونی، تبرعی محض است برای جلب رضایت خداوند، نه التزام به داد و سند وجود دارد و نه قصد کسب سود و دریافت عوض مطرح است. در این تعریف محلی برای داد و ستد و تجارت نیست، چنانکه شیخ محمد بن عثیمین می‌نویسد: «أن المقصود به المساعدة دون المعاوضه» (عثیمن، ۱۴۲۲ق، ص. ۶۹). براساس این تفسیر، شخص قادر به بازگرداندن وجوه پرداختی نیست؛ چراکه وجوه نقدی به ثبت قربهٔ الی الله پرداخت شده است. در این فرض تمامی مسلمین، حتی کسانی که در صندوق تکافل مشارکت ندارند، حق بهرمندی از این صندوق را دارند. این در حالی است که در نهاد تکافل مصطلح سپرده‌گذاران با قسمتی از سپرده‌گذاری خود قصد کسب سود را دارند.

از منظر برخی از فقهای امامیه بیمه تعاونی عبارت است از: توافق یک گروه بر تشکیل سرمایه مشترک به‌جهت جبران خسارتی که به یکی از آنها وارد می‌آید (سبحانی، ۱۳۸۹، ج۵، ص. ۱۹۴). ایشان بیمه تعاونی را به دو قسم: بیمه تعاونی بسیط و بیمه تعاونی مرکب تقسیم نموده‌اند. در هر دو قسم، هدف اصلی، تعاون و جبران خسارت همنوعان است. با این تفاوت که در قسم اول، هیچ‌گونه عمل تجاری صورت نمی‌گیرد، ولی در قسم دوم، با اموال ودیعه گذاشته شده، تجارت می‌شود، البته نه برای کسب سود، بلکه به جهت اینکه صندوق ودیعه تقویت گردد تا ضررهای وارده بر اعضا کاهش یابد. برخی دیگر از فقها، نیز همین دیدگاه را مطرح نموده‌اند. (خرازی، ۱۴۲۳ق، ج۲، ص. ۸۲). هر چند که مفاد این دیدگاه از جهت تأکید بر نیت تعاون و جبران خسارت، شبیه به بیانیه شورای عالی علماء سعودی است، اما یک تفاوت اساسی با آن دارد، برخلاف تصور برخی از فقهای عامه، اصل مال و سود حاصل از آن تا زمانی که سرمایه بیمه شده برای جبران خسارت صرف نشود، در ملک او قرار دارد.

در این میان، تعریف نهاد تکافل در بیانیه مجمع بین المللی فقه اسلامی که از زیر مجموعه‌های سازمان کنفرانس اسلامی می‌باشد، چنین آمده است: عقد جایگزینی که به اصول معامله اسلامی احترام می‌گذارد، عقد بیمه تعاونی است که مبتنی بر اهدا و تعاون می‌باشد. این تعریف، یک تفسیر مجمل از نهاد تکافل است که آن را صرفاً به عنوان

جایگزینی برای بیمه‌های تجاری مرسوم قرار داده است. در اینجا عناصر اصلی نهاد تکافل که وجه تمایز آن با بیمه‌های مرسوم است، مشخص نیست.

در مباحث فقهی عامه، اتفاق نظری بر مفهوم و ماهیت نهاد تکافل وجود ندارد، برخی علما آن را تبرع براساس مشاهده دانسته و برخی تبرع براساس همه را مطرح کرده‌اند (قره‌داغی، ۱۴۲۳ق، ص. ۲۷۳). شاید بتوان منشأ این اختلاف نظرها را چنین تصور نمود که پس از مخالفت علما با بیمه‌های رایج، بیمه‌های تعاونی به عنوان جایگزین معرفی شدند. ظاهراً مفهوم بیمه‌های تعاونی طی سالهای متمادی تطوراتی داشته است و قالب امروزی و متکامل آن به شکل بیمه‌های تکافل می‌باشد؛ بنابراین، طبیعی است که عناصر تشکیل دهنده تکافل امروزی با بیمه تعاون مصطلح، کاملاً مطابقت نداشته باشد. به عنوان مثال، در بیمه تعاونی کسب سود از جانب مشترکان، هیچ جایگاهی ندارد، اما در نهاد تکافل کسب سود هر چند جزء اهداف ثانویه باشد، وجود دارد. بخش زیادی از ابهامات موجود در نهاد تکافل ناشی از عدم درک واضح و صحیح از واقعیات نهاد تکافل است، البته کثرت و تنوع الگوهای تکافل در جهان نیز در ایجاد ابهامات مؤثر هستند.

نظام بیمه‌ای تکافل دارای تعریف عملیاتی نیز می‌باشد و به لحاظ عملیاتی در تکافل هنگامی که بیمه‌گذاران سهم خود را در شرکت سپرده‌گذاری می‌کنند، سهم آنها به دو حساب کاملاً مجزا تقسیم می‌شود. عمده سهام سپرده به حساب سرمایه‌گذاری یا حساب شرکت‌کنندگان با نشان اختصاری (PA) رفته تا شرکت وجوه آن را در فرصت‌های مختلف و فعالیت‌های مجاز اسلامی نظیر (خرید و فروش انواع اوراق صکوک سهام و...) سرمایه‌گذاری کند و سود را در میان بیمه‌گذاران تقسیم نماید. براساس برخی از الگوهای تکافل بخشی از سود سرمایه‌گذاری به عنوان حق عامل به خود شرکت تعلق خواهد گرفت، مابقی سهام به صندوق دیگری به نام حساب ویژه شرکت‌کنندگان با نشان اختصاری (PSA) تحت‌عنوان هبه یا تبرعات واریز می‌شود. در مواقعی که یکی از حوادث پیش‌بینی شده در متن قرارداد بیمه اتفاق می‌افتد. کل میزان ادعا شده از صندوق تبرع پرداخت می‌شود (بانک مرکزی مالزی، ۲۰۱۹، ص. ۱۵۹). در صورتی که خسارت از میزان سرمایه موجود در صندوق تبرع بیشتر بود و صندوق تبرع به تنهایی کفاف جبران خسارت را نکرد از سهم حساب سرمایه‌گذاری شخص متضرر

پرداخت می‌شود. مجدداً در صورت عدم کفایت سهم حساب سرمایه‌گذاری وی از حساب سرمایه‌گذاری به صورت قرض‌الحسنه به وی اعطا می‌گردد. اگر میزان خسارات به حدی شد که کل سرمایه موجود در صندوق کفاف جبران خسارت را ندارد، شرکت تکافل اقدام به پذیره‌نویسی مازاد می‌کند، البته مشارکت‌کننده‌ای که خسارتی را متحمل شده، نباید از سود هیچ سهمی داشته باشد؛ چراکه قبل از این غرامت دریافت کرده است. به‌طور کلی شرکت یا همان متصدی تکافل، باید بگونه‌ای از مجموع صندوق تبرعات و صندوق سرمایه‌گذاری استفاده کند که در پرداخت خسارت دچار مشکل نشود؛ بنابراین، حدود و شرایط دقیق این کار از سوی بیمه مرکزی یا بانک مرکزی کشورها تعریف شده است، البته باید توجه داشت که ساختار صندوق مشارکت کنندگان در تکافل عمومی و تکافل خانواده یکسان نیست، اما وجه اشتراکشان در تبرعی است که اتفاق می‌افتد و اساساً همین تبرع مهم‌ترین وجه تمایزی است که میان بیمه‌های تکافل و بیمه‌های رایج وجود دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲-۲. تکافل در فقه امامیه

به علت اینکه اکثر کشورهای اسلامی (تابع فقه عامه)، بیمه‌های معمولی را غیرشرعی می‌دانند و تنها به‌دلیل قاعده لاحرج، در موارد ضروری از آن استفاده می‌کنند، به عنوان مثال، در ایران، بیمه‌های مسئولیت ناشی از حوادث وسایل نقلیه برای شخص ثالث اجباری است و تابعان فقه عامه مجاز به استفاده از این نوع بیمه هستند، ایجاد جایگزینی برای تامین نیازهای مسلمانان به منظور ایجاد امنیت و آرامش در جوامع آنها، یک ضرورت برای حکومت‌هاست. همچنین، یکی از ارکان تجارت، امنیت است که بیمه یکی از ابزارهای اصلی در تأمین امنیت در حوزه تجارت و صنعت می‌باشد و بدون آن، انتظار پویایی اقتصادی در جوامع مسلمان وجود نخواهد داشت. به همین دلیل، این ضرورت منجر به ایجاد تکافل به عنوان جایگزین بیمه‌های سنتی شده است، اما اینگونه اهداف برای ایجاد تکافل به عنوان جایگزینی برای بیمه‌های متعارف کفایت نمی‌کند، بلکه آن استدلال اصلی در ایجاد نهاد تکافل اهدافی است که تحت‌عنوان مقاصدالشریعه در فقه عامـه بیـــان شده است. منظور از مقاصدالشریعه اهدافی است که دلایل اصلی در ایجاد قوانین و مقررات می‌شوند.

در کشف موضوعی که حلال باشد در مقاصدالشریعه، لایه‌ها و مراحلی را در نظر می‌گیرند. در مرحله اول، حلال در مقابل حرام است، به این معنا که باید تشخیص داد که آیا بیمه‌های متداول یا تکافل حلال است یا حرام (Fisher, 2013, pp. 124-129). در این مرحله، تنها به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا بیمه متداول حرام است؟ اگر پاسخ منفی باشد، آن را حلال می‌پنداریم. در مرحله دوم، حلال از اعمال نیک و صالح پنداشته می‌شود و به سؤالاتی درباره پسندیده شدن تکافل و بیمه‌های متداول در نزد خدا پاسخ داده می‌شود. در مرحله سوم، به سؤالاتی درباره حلال بودن یک امر برای شخص یا برای تمام انسان‌ها پاسخ داده می‌شود. این مرحله، اصلی‌ترین و مهم‌ترین مقصد شریعت است و آن را از مقصدالشریعهٔ به مقاصدالشریعهٔ تبدیل می‌کند. آخرین لایه و مرحله از مقاصدالشریعهٔ در خصوص امر حلال، انجام امر حلال یا اعمال و استفاده از آن در جهت آخرت است، به این معنا که، این امر حلال بتواند یاری‌دهنده‌ای برای مسلمان در قیامت باشد. بیشتر شرکت‌های تجاری مرحله‌ی مهمی را که باید رعایت کنند از یاد می‌برند، به عنوان مثال، در صنعت تولید محصولات حلال، مانند شامپو، تولیدکننده‌ها بر روی بسته‌بندی محصول خود، عکس زنان با آرایش‌های زیاد قرار داده تا مصرف‌کننده را به خرید محصول تشویق کنند. این کار تخلف از یکی از اهداف شریعت است.

با جستجو در متون کسانی که درباره مصلحت فقه و مقاصد شریعت سخن گفته‌اند، دیده می‌شود که آنها برای مقاصد شارع اقسامی ذکر کرده‌اند. نخستین بار این مسأله را جوینی در کتاب البرهان فی اصول الفقه مطرح کرد. جوینی که پس از شافعی و باقلانی از اصولیون شاخص در بین اهل سنت به شمار می‌رود، پس از بحث از احکام تعلیل‌پذیر و تعلیل‌ناپذیر آنهـا را به پنج دسته تقسیم کرد:

۱) ضروریات: آن دسته از احکام فقهی است که سبب حفظ امور ضروری زندگی می‌شود، مانند قصاص.

۲) حاجیات: آن دسته از احکام فقهی است که نیازهای عمومی زندگی را تأمین می‌کند.

۳) تحسینیات، احکامی است که سبب آراستگی انسان به کرامت‌ها و دوری از نقایص و پلیدی‌ها می‌شود، مانند احکام طهارت.

۴) کمالیات: احکام مستحب که از سه دسته قبل نیست.

۵) تعبدیات: احکامی است که فلسفه آن بر ما روشن نیست و چنین مواردی اندک است؛ زیرا اصل اولی آن است که مقاصد احکام شرع قابل فهم و دستیابی است.

تکافل در زمره تحسینیات قرار می‌گیرد؛ به دلیل آنکه، عدم بیمه باعث نقض زندگی نمی‌شود و به عنوان یک ضرورت محسوب نمی‌شود. همچنین، در صورت عدم وجود آن، مسلمانان در مشکلات اقتصادی قرار نمی‌گیرند که موجب تحسین در رده حاجیات می‌شود. با این حال، وجود تکافل، باعث می‌شود که زندگی آدمی در نظر شریعت و عقل ناپسند شود و به همین دلیل در زمره تحسینیات قرار می‌گیرد. بنابراین، طبق فقه عامه، بیمه یکی از امور تحسینی است و به دلیل مسائل قانونی مهم در بیمه‌های معمولی، لازم است ابزارهای اسلامی جایگزینی برای آنها در نظر گرفته شود. به همین دلیل، مفهوم تکافل به عنوان جایگزینی برای بیمه‌های معمولی مطرح شده است.

آیا مقاصدالشریعهٔ در فقه امامیه جایگاهی دارد؟ امامیه معتقدند به عدم حجب استصلاح و تمسک به مصالح مرسله است، به‌گونه‌ای که حتی در کتب خود به این موضوع توجه نکرده و عدم حجیت آن را امری مسلم فرض کرده‌اند. اگرچه برخی مثل میرزای قمی مخالفت کرده‌اند، اما به سرعت این موضوع را نادیده گرفته و بطلان آن را تصور کرده‌اند. با این حال، علمای شیعه معتقدند که عدم تمسک به مقاصد و مصالح، به‌عنوان منبع حکم شرعی است و دلیل آن این است که این گروه، از نصوص فقهی از امامان معصوم (ع)، بیشتر از قرآن، سنت پیامبر (ص) و عقل، تلقی خاصی داشتند که از اجتهاد و اصول عملیه بود، اما باید توجه داشت که این موارد نشان‌دهنده آن نیست که توجه به مقاصد و مصالح مورد نظر شارع هیچ نقش یا جایگاهی در فقه امامیه ندارد، بلکه در موارد گوناگون، از مصالح و مقاصد، به‌عنوان منبع حکم شرعی سخن گفته شده است. به‌طوری که در فقه شیعه، این جزء ضروری است، که فقهی قوی و پویا را تشکیل دهد که به نیازهای عصر خود پاسخ دهد. فقهای امامیه، در تأیید عقل عملی به عنوان یکی از منابع استنباط حکم شرعی نقش دارند. این در حالی است که مبنای درک عقل و داوری بر مصالح مورد نظر شارع است، از آنجا که وجود مصلحت و مفسدت در عمل، تأثیرگذار بر درک عقل و حکم شرع می‌باشد. با توجه به ارتباط میان درک عقل و حکم شرع، حکم شرعی تثبیت می‌گردد.

در تفسیر و استنباط احکام، مقاصد شرع به عنوان یک عنصر اساسی مدنظر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، توجه به مقاصد و تفسیر مفاد حکمی، نتیجه‌ی تعبیر شخص از ادله را شکل می‌دهد. حکم شرعی، با توجه به مقاصد کلان شرع، فقیه به فهم و تفسیر کلمات و اصطلاحات پرداخته و گاهاً از اعمال عمومی یا اطلاق آن دوری می‌کند. همچنین، بعضی اوقات حکم را از موارد خاص به موارد گسترده‌تری تعمیم می‌دهد. برخی اوقات هم که شک و تردید در مورد مفاد حکمی وجود دارد، باتوجه به مقاصد، صدور نصوص را بازنگری کرده و آنها را براساس مقاصد ارزیابی می‌کند.

از یک سو، در اصول «فقه‌الحکومه»، مقاصد و منافع مورد نظر، مجموعه قوانین مهمی را در اداره جامعه توسط حاکم اسلامی تعیین می‌کنند. فقه‌الحکومه، مجموعه‌ای از احکام و قوانین است که برای اداره جامعه توسط حکومت اسلامی تنظیم می‌شود و به آن اغلب، حکم حکومتی گفته می‌شود. اعمال این احکام و قوانین بستگی به منافع جامعه دارد و در مسائل مربوط به صلاحیت حکم حکومتی، در نظر گرفتن منافع جامعه و توجه به مقاصد شرعی بسیار حائز اهمیت است.

۳. بررسی ساختاری ترکیب الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت

قرارداد ترکیبی مضاربه و وکالت در تکافل، براساس دو عقد فقهی مضاربه و وکالت منعقد می‌شود، که بررسی نقش این عقود در قرارداد تکافل ضروری است. به‌واسطه انعقاد عقد مضاربه در این الگو، سرمایه‌گذاری و تقسیم سود، براساس مشارکت طرفین انجام می‌پذیرد. در بخش مضاربه، بیمه‌گذاران به‌عنوان مالک سرمایه، وجوه خود را به صندوق تکافل واریز می‌کنند و اپراتور تکافل به‌عنوان عامل مضاربه، وظیفه سرمایه‌گذاری این وجوه را در پروژه‌های سودآور و مشروع بر عهده دارد. سود حاصل از مضاربه، براساس نسبتی که در قرارداد مشخص شده است، بین بیمه‌گذاران و اپراتور تقسیم می‌شود (جمالیزاده، ۱۳۸۰، ص. ۹۵).

در این الگو، انعقاد یک عقد وکالت نیز برای مدیریت ذخایر و پرداخت خسارت‌ها به نمایندگی از بیمه‌گذاران محقق می‌گردد. اپراتور تکافل به‌عنوان وکیل بیمه‌گذاران، وظیفه مدیریت و نگهداری وجوه موجود در صندوق تکافل و پرداخت خسارات را برعهده دارد و اپراتور برای خدمات مدیریتی خود، کارمزد مشخصی دریافت می‌کند.

۴. عناصر قرارداد الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت

۱) طرفین قرارداد: بیمه‌گذاران (شرکت‌کنندگان) که مالکان سرمایه و متعهد به پرداخت حق بیمه به صندوق تکافل می‌باشند.

۲) بیمه‌گران (اپراتور تکافل) که در نقش عامل مضاربه و وکیل عمل می‌کنند و مسئول سرمایه‌گذاری و پرداخت خسارت‌ها هستند.

۳) موضوع قرارداد: در عقد مضاربه، موضوع سرمایه‌گذاری وجوه بیمه‌گذاران در پروژه‌های سودآور و در عقد وکالت، موضوع قرارداد مدیریت صندوق و پرداخت خسارت‌ها می‌باشد.

۴) مدت قرارداد: مدت زمان اجرای قرارداد معمولاً به‌صورت توافقی تعیین می‌شود و ممکن است بر اساس نوع پوشش بیمه‌ای یا دوره سرمایه‌گذاری متفاوت باشد.

۵) حق‌الوکاله و سود مضاربه: حق‌الوکاله اپراتور تکافل از محل ذخایر صندوق پرداخت می‌شود و سود مضاربه بر اساس نسبت توافق‌شده میان بیمه‌گذاران و اپراتور تقسیم می‌گردد (جمالیزاده، ۱۳۸۰، ص. ۹۷).

۶) جمع‌آوری حق بیمه: جمع‌آوری حق بیمه در این قرارداد ترکیبی به دو بخش تقسیم می‌شود: الف) بخش سرمایه‌گذاری برای مضاربه: اپراتور تکافل وظیفه دارد وجوه سرمایه‌گذاری‌شده را در پروژه‌های حلال و سودآور به‌کار گیرد و در انتخاب پروژه‌ها اصول شرعی را رعایت کند. ب) بخش ذخایر برای پرداخت خسارت: اپراتور تکافل به نمایندگی از بیمه‌گذاران، خسارت‌های وارده را از محل ذخایر صندوق پرداخت می‌کند. در صورت عدم کفایت ذخایر، بخشی از سود مضاربه به پرداخت خسارت‌ها اختصاص داده می‌شود.

۵. تحلیل مبانی الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت

الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت یکی از ساختارهای کاربردی در تکافل است که بر پایه شریعت اسلامی و نیازهای عملیاتی صنعت بیمه طراحی شده است. این الگو از دو عقد معین مضاربه و وکالت بهره می‌برد تا علاوه بر انطباق با شریعت، به کارایی مالی و مدیریت ریسک کمک کند. در ادامه، مبانی فقهی، اقتصادی و عملیاتی این الگو بررسی می‌شود.

۵-۱. مبانی فقهی

مضاربه یکی از عقود مشارکتی در فقه اسلامی است که مالک سرمایه (بیمه‌گذاران) سرمایه خود را به عامل (اپراتور تکافل) واگذار می‌کنند. عامل، سرمایه را در فعالیت‌های اقتصادی حلال به کار می‌گیرد و سود حاصل به نسبت توافق‌شده میان طرفین تقسیم می‌شود. ویژگی‌های مهم عقد مضاربه در این قرارداد ترکیبی، شامل اصل عدم ضمان عامل در قبال زیان‌های غیرعمدی و اصل مشارکت طرفین در سود است. وکالت عقدی اذنی است که در قرارداد الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت، موکل (بیمه‌گذار) وظایف خاصی، مانند مدیریت وجوه و پرداخت خسارت‌ها را به وکیل (اپراتور تکافل) تفویض می‌کند و وکیل در برابر انجام این وظایف، حق‌الوکاله مشخصی دریافت می‌کند. ویژگی‌های مهم عقد وکالت در این قرارداد ترکیبی، شامل اصل امانی بودن و الزام به شفافیت در نحوه پرداخت حق‌الوکاله است.

۵-۱-۱. تحلیل فقهی عقود ترکیبی

تفکیک و تقسیم عقود، به عقود ساده و مرکب، تقسیم و تفکیکی است که در حقوق خارجی به عمل آمده است. در واقع، فقها در کتب فقهی هیچ‌گاه عقود و قراردادها را به عقود ساده و مرکب تقسیم نکرده‌اند. با وجود این، در پاره‌ای از کتب فقهی، رگه‌هایی از عقود مرکب ملاحظه می‌شود. چنین امری این مسأله را به ذهن متبادر می‌سازد که شاید آنان نیز عقود مرکب را صحیح می‌پنداشتند. به منظور تحلیل هر چه بهتر این مسأله، نقطه نظرات و اقوال فقها، پیرامون ترکیبی بودن پاره‌ای از عقود را بیان می‌کنیم.

الف) عقد مضاربه: مضاربه عقدی است میان مالک و مضارب (عامل)، که به موجب آن یکی از طرفین عقد، تحت‌عنوان مالک به طرف مقابل سرمایه‌ای می‌دهد و طرف مقابل (عامل) متعهد می‌شود، با سرمایه مزبور تجارت کند. به‌گونه‌ای که هر دو، در سود و زیان شریک باشند. به صاحب سرمایه، مالک و به عامل، مضارب گفته می‌شود. در این عقد، خواص عقود دیگر ملاحظه می‌شود، به‌گونه‌ای که عامل، به نیابت از سوی مالک عمل می‌کند (نتیجه عقد وکالت) و طرفین در سود و زیان شریک هستند (نتیجه عقد شرکت) و عامل نسبت به اموالی که به وی سپرده شده، امین است (نتیجه عقد ودیعه). این مسأله موجب شـده کـه پاره‌ای از فقها این عقد را آمیزه‌ای از عقود وکالت،

شرکت و ودیعه بدانند، به طوری که شهیدثانی می‌گوید: «عقد مضاربه، مرکب از عقود بسیاری است؛ زیرا عامل با عدم ظهور سود، امین است و با ظهور آن، شریک و با تعدی، غاصب و در تصرفاتش وکیل و با بطلان عقد، اجیر است» (شهیدثانی، ۱۴۱۴ق، ج۴، ص. ۳۰۴). صاحب جواهرالکلام نیز عقد مضاربه را عقدی می‌داند که احکام عقـود دیگر از قبیل وکالت، ودیعه و شرکت در آن جاری می‌شود (نجفی،۱۳۹۲ق، ج۲۷، ص. ۳۳۹). شیخ یوسف بحرانی نیز در ضمن مباحث عقد مضاربه، از عقد ترکیبی واگذاری وسایل کار در برابر محصول، سخن به‌میان آورده است (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج۲۱، ص. ۲۰۱).

ب) مزارعه: مزارعه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین عقد، زمینی را در اختیار طرف مقابل قرار می‌دهد، تا در آن زراعت کند، به‌گونه‌ای که طرفین به نحو مشاع، مالک محصول گردند. کسی که زمین را می‌دهد، ممکن است مالک منافع باشد و لازم نیست که مالک عین زمین باشد، ولی تهیه لوازم و ابزار لازم برای زراعت و کشاورزی بر عهده مزارع است. این عقد، عقدی مستقل و متمایز از سایر عقود و قراردادهاست، با وجودی که آمیزه‌ای از اجاره و شرکت است و آثار عقود مزبور در آن ملاحظه می‌شود. به‌گونه‌ای که مزارع، عامل را مالک منافع زمین می‌کند. اثر اجاره اشیاء و عامل همچون اجیری است که مزارع، مالک منافع عمل وی شده است (نجفی، ۱۳۹۲ق، ج۲۷، ص. ۳۳۹).

ج) اجاره: عقد اجاره، تملیک منفعت به عوض معلوم است. این عقد به سه صنف، اجاره اشیا، اجاره اعمال و اجاره حیوان تقسیم می‌شود. موضوع اجاره اعمال، انجام کار و موضوع اجاره اشیاء، منفعت اشیا و موضوع اجاره حیوان، منفعت حیوان است، اما پیرامون ترکیبی بودن آن، از پاره‌ای از فقها این نظر دیده شده که آن را مرکب از یک عقد عهدی و یک عقد اذنی دانسته اند. (نجفی‌خوانساری، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص. ۴۳۷)

د) طلاق خلع: طلاق خلع، طلاقی است که براساس آن زوجه به خاطر کراهتی که از زوج دارد مالی را به وی می‌بخشد و زوج نیز در برابر آن مال، زوجه را طلاق می‌دهد، به‌گونه‌ای که قابل رجوع نباشد. شیخ طوسی در این مورد معتقد است که صرف توافق طرفین برای جدایی از یکدیگر، موجب طلاق خلع نمی‌شود، بلکه زوج باید صیغه طلاق را جاری کند (طوسی، ۱۳۸۸ق، ج۵، ص. ۲۶۱). ابن‌ادریس نیز معتقد

است، هرکس که مدعی است به صرف خلع جدایی حاصل می‌شود، باید دلیل اقامه کند، درحالی که در کتاب، سنت و اجماع دلیلی بر آن نیست (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ج۲، ص. ۷۲۶). با نگاهی به نظر فوق مشاهده می‌شود که ایشان معتقدند، طلاق خلع مرکب از دو عمل حقوقی است. اول، توافق طرفین بر بخشش مهریه توسط زوجه به دلیل کراهت از زوج و دوم، انجام عمل طلاق توسط زوج با توجه به توافق.

فقها عقود مرکب را در فقه به‌صورت صریح دسته‌بندی نکرده‌اند، اما در عمل، مشروعیت و قابلیت انعقاد این عقود پذیرفته شده است. بررسی نمونه‌هایی چون مضاربه، مزارعه، اجاره و طلاق خلع نشان می‌دهد که این عقود، با ترکیب ویژگی‌های چند عقد، پاسخ‌گوی نیازهای حقوقی و اقتصادی در جامعه اسلامی بوده‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که عقود مرکب، تا زمانی که با قواعد کلی شرع و اصول فقهی در تعارض نباشند، قابلیت اجرا و پذیرش در نظام فقهی و حقوقی اسلامی را دارند.

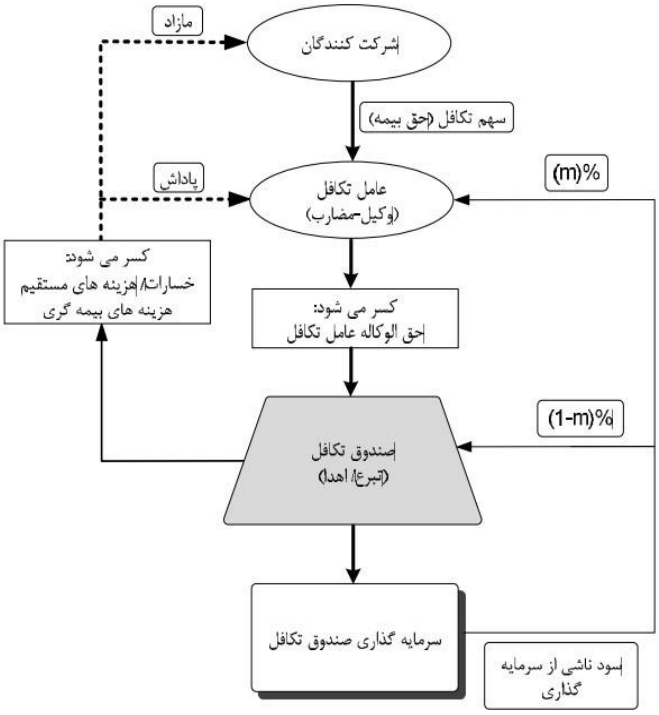

شکل۱) الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت

۵-۲. مبانی اقتصادی

مشارکت در سود و ریسک: استفاده از مضاربه باعث می‌شود، سود سرمایه‌گذاری به‌صورت عادلانه میان طرفین تقسیم شود. زیان ناشی از سرمایه‌گذاری فقط متوجه موکلین است، مگر در صورت تعدی یا تفریط عامل (لطفیان و همکاران، ۱۴۰۴، ص. ۲۳۳). وجوه جمع‌آوری‌شده در پروژه‌های سودآور و مطابق با شریعت سرمایه‌گذاری می‌شود که این سازوکار به رشد اقتصادی صندوق تکافل کمک می‌کند.

۵-۲-۱. مدیریک ریسک در نهاد تکافل

مدیریت ریسک یکی از اصول کلیدی در نظام‌های مالی اسلامی و نهادهای تکافل است. نهاد تکافل به‌عنوان جایگزین اسلامی بیمه، بر پایه همیاری و تعاون بنا شده و اصول آن برگرفته از فقه اسلامی است. با این حال، مدیریت ریسک در تکافل به دلیل ماهیت مشارکتی و غیرمعاوضی آن، با چالش‌های متفاوتی نسبت به بیمه‌های متعارف مواجه است. ریسک به معنای احتمال وقوع خسارت یا زیان است و در نظام‌های مالی، مدیریت آن به معنای شناسایی، ارزیابی، و کنترل این احتمال‌ها است (لطفیان و همکاران، ۱۴۰۴، ص. ۲۱۱). در نهاد تکافل، ریسک‌ها شامل مواردی همچون ریسک نقدینگی، ریسک نکول و ریسک سرمایه‌گذاری می‌شود. برخلاف بیمه‌های متعارف، تکافل بر اصل اشتراک ریسک میان مشارکت‌کنندگان و نه انتقال ریسک به شرکت، تأکید دارد.

۵-۲-۱-۱. انواع ریسک در نهاد تکافل

الف) ریسک سرمایه‌گذاری: نهاد تکافل موظف است حق اشتراک‌های جمع‌آوری شده را در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مجاز اسلامی به کار گیرد. در این راستا، ریسک کاهش ارزش سرمایه یا بازدهی پایین از چالش‌های اصلی است (IFSB, 2013). برای مدیریت این ریسک، لازم است استراتژی‌های سرمایه‌گذاری منطبق با اصول شریعت تدوین شود.

ب) ریسک نقدینگی: ریسک نقدینگی زمانی رخ می‌دهد که صندوق تکافل به دلیل عدم توانایی در تبدیل دارایی‌ها به نقدینگی، قادر به پرداخت تعهدات خود نباشد. این

ریسک در مواقعی که میزان خسارات افزایش یابد یا مشارکت‌کنندگان کمتری در صندوق وجود داشته باشند، تشدید می‌شود (IFSB, 2013, p. 104).

ج) ریسک نکول: ریسک نکول به معنای عدم توانایی صندوق در ایفای تعهدات خود به مشارکت‌کنندگان در زمان وقوع خسارت است. این ریسک می‌تواند اعتماد مشارکت‌کنندگان را کاهش دهد و به ناپایداری نهاد منجر شود.

د) ریسک عملیاتی: این نوع ریسک شامل اشتباهات مدیریتی، نقص در سیستم‌های اطلاعاتی، یا عدم تطابق با مقررات شرعی و قانونی است. شفافیت و نظارت دقیق بر عملکرد نهاد تکافل می‌تواند این ریسک را کاهش دهد.

۵-۲-۲. استراتژی‌های مدیریت ریسک در تکافل

مدیریت ریسک در نهاد تکافل نیازمند شفافیت، رعایت اصول شرعی و استفاده از ابزارهای نوین مالی است. باوجود چالش‌های موجود، استراتژی‌هایی مانند تفکیک حساب‌ها، ایجاد ذخایر مالی، و استفاده از تکافل اتکایی، می‌تواند به‌بهبود مدیریت ریسک کمک کند (کیخای‌فرزانه و همکاران، ۱۳۹۳، صص. ۱۲۳–۱۵۲). همچنین، نظارت دقیق بر عملکرد نهاد و تدوین چارچوب‌های استاندارد جهانی از ضرورت‌های توسعه این صنعت است. اکنون به بررسی هریک از راهکارهای مدیریت ریسک در نهاد تکافل می‌پردازیم.

الف) تفکیک حساب‌ها: یکی از اصول مهم در تکافل، تفکیک حساب‌های صندوق تکافل و شرکت تکافل است. این تفکیک تضمین می‌کند که دارایی‌های صندوق تنها برای جبران خسارت و سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود و در مدیریت عملیاتی شرکت دخالتی نداشته باشد.

ب) ایجاد ذخایر مالی: ایجاد ذخایر مالی (مثل حساب‌های ذخیره مازاد) می‌تواند به عنوان یک بالشتک حفاظتی عمل کرده و در مواقع بحرانی از صندوق حمایت کند.

ج) قراردادهای تکافل اتکایی: تکافل اتکایی به معنای توزیع ریسک‌های بزرگ‌تر میان چندین شرکت تکافل است. این روش نه‌تنها خطرات را کاهش می‌دهد، بلکه ثبات مالی بیشتری برای نهاد فراهم می‌کند.

د) استفاده از ابزارهای مالی اسلامی: استفاده از ابزارهایی مانند صکوک برای تأمین مالی و مدیریت نقدینگی می‌تواند ریسک‌های مرتبط با نقدینگی را کاهش دهد.

۵-۲-۳. چالش‌های مدیریت ریسک در تکافل

الف) ماهیت غیرمعاوضی قراردادها: برخلاف بیمه‌های متعارف که ماهیت معاوضی دارند، تکافل بر پایه تبرع و تعاون بنا شده است. این مسئله می‌تواند مدیریت ریسک را پیچیده‌تر کند (قره‌داغی، ۱۴۲۳ق، ص. ۱۹).

ب) نبود استانداردهای جهانی: عدم وجود چارچوب‌های استاندارد و هماهنگ برای مدیریت ریسک در نهادهای تکافل یکی از موانع اصلی برای توسعه این نهاد است.

ج) تداخل منافع تداخل منافع میان مشارکت‌کنندگان و شرکت تکافل، به‌ویژه در مورد تقسیم سود و جبران خسارات، می‌تواند مشکلاتی را در مدیریت ریسک ایجاد کند.

۵-۳. مبانی عملیاتی

بخش سرمایه‌گذاری توسط مضاربه مدیریت می‌شود و مدیریت وجوه ذخیره‌شده برای پرداخت خسارت‌ها بر عهده وکیل (اپراتور تکافل) است. حق‌الوکاله و سود مضاربه به‌صورت شفاف در قرارداد ذکر می‌شود. این شفافیت، اعتماد بیمه‌گذاران را افزایش داده و امکان مدیریت هم‌زمان سرمایه‌گذاری و پوشش خسارات را فراهم می‌کند. اکنون به بررسی مبانی علمیاتی نهاد تکافل بصورت تفصیلی می‌پردازیم.

الف) اصل تبرع (همیاری): یکی از اصول اساسی تکافل، تبرع است. در این اصل، مشارکت‌کنندگان حق‌الاشتراک خود را به نیت کمک و همیاری به یکدیگر پرداخت می‌کنند. این پرداخت‌ها به صورت داوطلبانه (تبرعی) در صندوق تکافل جمع‌آوری می‌شوند تا برای جبران خسارات افراد زیان‌دیده استفاده شوند. هدف این اصل، جلوگیری از ماهیت معاوضی (معامله‌ای) و نزدیک شدن به اصول تعاون و عدالت اسلامی است. مثال: هریک از مشارکت‌کنندگان بخشی از مبلغ پرداختی خود را به عنوان کمک مالی به صندوق می‌پردازند تا در مواقع نیاز از این صندوق استفاده شود.

ب) اصل اشتراک خطر: برخلاف بیمه‌های متعارف که در آن خطر به شرکت بیمه منتقل می‌شود، در تکافل خطر به صورت مشترک میان تمام مشارکت‌کنندگان تقسیم می‌شود، که مزیت این اصل، کاهش تمرکز خطر و ایجاد حس همبستگی میان اعضا است. اصل اشتراک خطر، سبب می‌شود تا در صورت وقوع خسارت، هزینه‌ها از صندوق جمعی (صندوق تکافل) پرداخت شود و شرکت تکافل صرفاً نقش مدیریت این صندوق را بر عهده دارد.

ج) اصل وکالت: شرکت تکافل به‌عنوان وکیل از طرف مشارکت‌کنندگان عمل می‌کند و وظیفه‌ی مدیریت صندوق و سرمایه‌گذاری وجوه را بر عهده دارد. در این الگو، شرکت در ازای ارائه‌ی خدمات، کارمزد مدیریت (حق‌الوکاله) دریافت می‌کند و می‌تواند بخشی از وجوه صندوق را در پروژه‌های اقتصادی منطبق با احکام شرعی سرمایه‌گذاری کند (کیخای‌فرزانه و همکاران، ۱۳۹۴، صص. ۱۲۳–۱۵۲)

د) اصل مضاربه: در برخی مدل‌های تکافل، از عقد مضاربه برای مدیریت و سرمایه‌گذاری وجوه استفاده می‌شود. شرکت تکافل به‌عنوان عامل (مدیر سرمایه)، عمل می‌کند و سود حاصل از سرمایه‌گذاری میان شرکت و مشارکت‌کنندگان به نسبت توافق شده تقسیم می‌شود. عقد مضاربه کاربرد در تکافل خانواده، برای سرمایه‌گذاری بلندمدت و بازدهی بیشتر به کار می‌رود.

نوع ریسک	ریسک متوجه صندوق مشارکت‌کنندگان (PRF)	ریسک متوجه صندوق سهامداران (SHF) / عامل تکافل (TO)	مبنای قراردادی
ریسک پذیره‌نویسی (Underwriting)	اصلی (کسری صندوق، کاهش مازاد)	ثانویه (ریسک تأمین قرض‌الحسنه و ریسک بازپرداخت آن)	وکالت (مدیریت)
ریسک سرمایه‌گذاری (PRF)	اصلی (زیان سرمایه PRF، کاهش سود	ثانویه (زیان در وقت و تلاش)، اما اصلی در مورد ریسک‌های ناشی از تضاد	مضاربه (مدیریت سرمایه)

	مضاربه)	منافع	
ریسک عملیاتی	بار اضافی هزینه‌ها (در صورت ناکافی بودن حق‌الوکاله)	اصلی (هزینه‌های سربار، ریسک فناوری اطلاعات، ریسک HR)	وکالت (حق‌الوکاله)
ریسک حاکمیت و شریعت	کاهش مازاد (به دلیل انتقال درآمد غیرشرعی)، ابطال قراردادها	اصلی (ریسک شهرت، جریمه‌های رگولاتوری، و از دست دادن سهم سود)	شریعت/حاکمیتی
ریسک نقدینگی	اصلی (عدم توانایی در پرداخت خسارت)	ثانویه (از طریق فعال شدن تعهد قرض‌الحسنه)	مالی/عملیاتی

جدول ۱: تفکیک ریسک‌ها براساس مالک ریسک در الگوی ترکیبی وکالت–مضاربه

۶. نقد الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت

الف) اصل عدم ضمان در مضاربه: در مضاربه، عامل ضامن اصل سرمایه نیست و فقط در صورت تعدی یا تفریط مسئول زیان می‌شود. این اصل در فقه امامیه به‌صراحت تأیید شده است (طباطبایی‌یزدی، ۱۳۹۲، ج۲، ص. ۶۴۵). در الگوی تکافل، اپراتور تعهد دارد که خسارت‌های بیمه‌گذاران را جبران کند، حتی اگر سرمایه کافی نباشد. این تعهد با اصل عدم ضمان در مضاربه در تضاد است و ممکن است باعث ابهام در تعهدات شود.

ب) تقسیم سود در مضاربه: در مضاربه، سود باید به نسبت توافق‌شده میان مالک سرمایه و عامل تقسیم شود و تعیین سود ثابت جایز نیست (ایروانی، ۱۴۲۷ق، ص. ۳۵۴). در برخی قراردادهای تکافل، ممکن است، سود اپراتور به‌صورت کارمزد ثابت محاسبه شود، که این روش می‌تواند باعث شائبه ربا شود.

د) تضاد ضمان در مضاربه و وکالت: در مضاربه، عامل ضامن سرمایه نیست و در وکالت نیز وکیل فقط در صورت تعدی یا تفریط مسئول است، اما در تکافل، اپراتور

به‌عنوان عامل مضاربه و وکیل، هم‌زمان تعهد به جبران خسارت دارد (الهی، ۱۳۹۹، ص. ۱۹). این تعهد، تضاد میان اصول ضمان در مضاربه و وکالت را آشکار می‌کند.

ج) شائبه غرر: در فقه امامیه، هرگونه ابهام (غرر) در قراردادها موجب بطلان است (خویی، ۱۴۰۹ق، ص. ۲۰۵) و در این الگوی ترکیبی ابهام در نحوه تقسیم سود، استفاده از ذخایر، و تعهدات مالی می‌تواند مصداق غرر باشد.

۷. تحلیل الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت از منظر حقوق موضوعه

الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت در تکافل به‌عنوان یک ساختار حقوقی و مالی در چارچوب اصول اسلامی و مقررات حقوقی ایران طراحی شده است. این مدل تلاش می‌کند با استفاده از قواعد مضاربه در سرمایه‌گذاری و قواعد وکالت در مدیریت صندوق، یک نظام مالی اسلامی ایجاد کند که هم با فقه امامیه سازگار باشد و هم بتواند نیازهای صنعت بیمه اسلامی را تأمین کند.

۷-۱. ماهیت حقوقی قراردادهای مضاربه و وکالت در حقوق ایران

الف) عقد مضاربه: مطابق ماده‌ی ۵۴۶ قانون مدنی ایران، مضاربه عقدی است که به‌موجب آن یکی از طرفین (مالک) سرمایه‌ای را برای تجارت در اختیار دیگری (عامل) قرار می‌دهد و سود حاصل از این تجارت میان طرفین به نسبتی که در قرارداد تعیین شده تقسیم می‌شود. ویژگی‌های اصلی مضاربه عبارت‌اند از: ۱) ماهیت جایز: به تصریح ماده‌ی ۵۵۰ قانون مدنی مضاربه عقدی جایز است و هر یک از طرفین می‌توانند آن را فسخ کنند، مگر اینکه شرط لازم در ضمن عقد گنجانده شود (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج۲، صص. ۲۴۷)؛ ۲) ممنوعیت تعیین سود ثابت: تعیین سود به‌صورت مبلغ ثابت (شرط ربوی) موجب بطلان قرارداد است؛ و ۳) مسئولیت زیان: زیان وارده متوجه مالک است، مگر اینکه عامل در سرمایه تعدی یا تفریط کرده باشد.

ب) عقد وکالت: مطابق ماده ۶۵۶ قانون مدنی، وکالت عقدی است که به‌موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود قرار می‌دهد. ویژگی‌های کلیدی وکالت عبارت‌اند از: ۱) ماهیت جایز: امکان فسخ توسط هر یک از طرفین وجود دارد، ۲) تعهدات وکیل: وکیل ملزم است وظایف خود را مطابق دستور موکل و

در چارچوب قرارداد انجام دهد و ۳) حق‌الوکاله: میزان دستمزد وکیل باید شفاف و بر اساس توافق قبلی مشخص شود (محقق‌داماد، ۱۳۷۴، ج۱، ص. ۲۰۲).

۷-۲. ماهیت حقوقی قرارداد ترکیبی مضاربه و وکالت در تکافل

الف) بررسی تطابق الگوی ترکیبی با حقوق ایران

مشروعیت این قرارداد بر پایه‌ی اصل آزادی قراردادها قابل توجیه است؛ زیرا به موجب ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی، انعقاد قراردادهایی که مخالف قواعد آمره یا نظم عمومی نباشند مجاز است. قرارداد ترکیبی مضاربه و وکالت در این چارچوب قرار می‌گیرد و مشروع است، مشروط بر اینکه: ۱) قواعد مضاربه، نظیر تقسیم سود مشاع و عدم ضمان زیان توسط عامل، رعایت شود، ۲) شرط‌های ضمن عقد، نظیر تعهد به جبران خسارت، مطابق با قواعد و اصول شرعی باشد و ۳) با وجود آنکه هر دو عقد مضاربه و وکالت از عقود جایز هستند و همین ویژگی ممکن است موجب بی‌ثباتی قرارداد شود، می‌توان با درج شرط لازم در ضمن عقد، به استناد ماده‌ی ۱۰ و ماده‌ی ۲۳۴ قانون مدنی، امکان فسخ یک‌جانبه را محدود کرد.

ب) مسئله تعارض منافع

در این الگو، شرکت تکافل ممکن است با انگیزه افزایش درآمد، نرخ حق اشتراک یا سهم خود از سود را به نفع خود تنظیم کند. برای جلوگیری از تعارض منافع: ۱) تفکیک وظایف، نقش شرکت تکافل به‌عنوان وکیل و عامل مضاربه باید شفاف‌سازی شود و ۲) نظارت قانون، نظارت از سوی نهادهایی نظیر بیمه مرکزی برای رعایت حقوق مشارکت‌کنندگان ضروری است. در فقه اسلامی، شرط ضمن عقد که شرکت تکافل را ملزم به جبران خسارات از محل اموال خود می‌کند، قابل پذیرش است. با این حال، باید از شروطی که موجب تضمین زیان در مضاربه می‌شوند (ربوی)، پرهیز کرد.

۷-۳. مزایا و چالش‌های حقوقی الگوی ترکیبی

الف) مزایا: ۱) انعطاف‌پذیری: ترکیب دو عقد جایز امکان استفاده بهینه از ویژگی‌های هر دو را فراهم می‌کند، ۲) تقسیم مسئولیت‌ها: مسئولیت‌های شرکت تکافل و مشارکت‌کنندگان به‌وضوح مشخص می‌شود و ۳) سازگاری با شرع: این الگو می‌تواند با قواعد فقه امامیه و قوانین ایران تطبیق داده شود.

ب) چالش‌ها: ۱) ریسک فسخ یک‌جانبه: جایز بودن عقود ممکن است موجب نااطمینانی در روابط طرفین شود، ۲) ابهام در تقسیم سود: لازم است، مکانیسم تقسیم سود و جبران خسارات به‌صورت شفاف در قرارداد مشخص شود و ۳) مسئولیت جبران خسارات: در صورت کسری صندوق، شرکت تکافل ممکن است، موظف به ارائه قرض‌الحسنه شود، که این امر نیازمند پیش‌بینی دقیق در قرارداد است.

در نتیجه بررسی حقوقی الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت مشخص گردید که این الگو با اصول حقوق ایران تطابق دارد، اما اجرای آن نیازمند توجه به نکات زیر است:

۱) تنظیم قرارداد دقیق: جزئیات مربوط به تقسیم سود، مسئولیت جبران خسارت، و حق‌الوکاله باید به‌وضوح مشخص شود.

۲) کنترل تعارض منافع: شفاف‌سازی نقش‌ها و نظارت بر عملکرد شرکت تکافل ضروری است.

۳) ایجاد شروط تعدیل‌شده: با درج شروط مناسب در قرارداد، می‌توان از بروز مشکلاتی نظیر فسخ یک‌جانبه یا تعارض منافع جلوگیری کرد.

۴) تقویت نظارت: نظارت مؤثر از سوی نهادهای مرتبط بر عملکرد شرکت‌های تکافل برای تضمین عدالت و شفافیت در روابط ضروری است. با رعایت این اصول، الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت می‌تواند به‌عنوان مدلی کارآمد و شرعی در نظام تکافل ایران به‌کار گرفته شود.

در مدل مضاربه بیان شد که حداقل، کلیه‌ی حق‌بیمه‌ی پرداختی که ماهیت غیرتبرعی دارد، به‌همراه درصدی از سود به‌دست‌آمده، به بیمه‌گذار پرداخت می‌شود، چه حادثه‌ای پیش بیاید و چه پیش نیاید؛ بنابراین، مضاربه به‌طور کامل انجام می‌شود. مزیت الگوی مضاربه این است که عوامل انگیزه‌ی بیشتری دارند تا در بیمه‌گری و سرمایه‌گذاری

به‌طور کارا عمل کنند؛ زیرا آنها نسبتی از مازادها را دریافت خواهند کرد (آقامهدوی و همکاران، ۱۳۸۸، ص. ۱۷).

مکانیزم تخصیص بخشی از مازاد پذیره‌نویسی به متصدی تکافل، یک عدم تقارن انگیزشی ایجاد می‌کند؛ متصدی به حداکثرسازی مازاد (که افزایش درآمدش را در پی دارد) تمایل دارد، حال آنکه از منظر مشارکت‌کنندگان، مقدار بهینه‌ی این مازاد می‌بایست نزدیک به صفر باشد. این تفاوت نگرش ناشی از آن است که مشارکت‌کنندگان منطقاً به دنبال پرداخت حق مشارکت متناسب با ریسک خود هستند، نه تحمل هزینه‌های اضافی (Jaffer,2007, p. 423).

در شرایطی که تعداد شرکت‌های بیمه‌گر در صنعت تکافل افزایش یابد، فضای رقابتی ایجاد شده، می‌تواند مسئله تضاد منافع بین متصدیان تکافل و مشارکت‌کنندگان را حل کند. در چنین بازاری که آزادسازی شده باشد، متصدیان شرکت‌های مختلف به دنبال کاهش حق مشارکت‌های پیشنهادی خود تا سطحی نزدیک به ریسک واقعی متکافلان خواهند بود. با این حال، مدل مضاربه محض، از دیدگاه متصدی تکافل دارای نقاط ضعف اساسی است. مهم‌ترین مشکل این است که در این مدل، پاداش قطعی و بدون ریسکی برای خدمات بیمه‌گری و هزینه‌های مدیریتی در نظر گرفته نشده است. اگر سهمی از مازاد پذیره‌نویسی به متصدی تعلق نگیرد، در واقع بخشی از ریسک سرمایه‌گذاری و تمام ریسک فعالیت بیمه‌گری به متصدی منتقل می‌شود. این وضعیت به این معناست که نه‌تنها در صورت کسری پذیره‌نویسی هیچ جبرانی برای خدمات بیمه‌گری متصدی وجود ندارد، بلکه وی موظف است وام قرض‌الحسنه‌ای را از صندوق سهامداران شرکت برای صندوق PTF تأمین کند (محمدی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۵)، ممکن است، سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط متصدی سودده نباشد. در چنین شرایطی، متصدی تکافل علاوه بر تحمل ریسک عاملیت در فعالیت سرمایه‌گذاری در قالب مضاربه، برای فعالیت بیمه‌گری نیز هیچ درآمدی دریافت نمی‌کند و در صورت کسری مازاد پذیره‌نویسی، باید وام قرض‌الحسنه برای صندوق خسارات فراهم کند. حتی در بهترین حالت که کسری پذیره‌نویسی وجود نداشته باشد و سرمایه‌گذاری‌ها سود قابل قبولی ایجاد کنند، هزینه‌های مدیریتی و بیمه‌گری از سهم سود متصدی کسر می‌شود و اگر این سهم سود کافی نباشد، متصدی با زیان مواجه

خواهد شد. به همین دلایل، امروزه الگوی مضاربه برای محصولات جدید تکافل خانواده استفاده نمی‌شود و در مورد محصولات تکافل عمومی نیز به‌ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد. بسیاری از علمای اسلامی، به ویژه در منطقه خاورمیانه، این الگو را به دلیل اینکه عامل تکافل در سود شریک است، اما در زیان مشارکتی ندارد، قابل قبول نمی‌دانند.

در تکافل عمومی که کوتاه مدت می‌باشد و معمولاً یک ساله یا کمتر می‌باشد، بار مالی بازپرداخت قرض‌الحسنه را مشارکت‌کنندگان آتی متحمل خواهند شد. حال در شرایط رقابتی، باتوجه به اینکه باید ترازنامه مالی تکافل برای جلوگیری از بروز غرر، دارای شفافیت کافی باشد، عملاً در صورت متعهدسازی مشارکت‌کنندگان آتی به باز پرداخت قرض‌الحسنه، سهم تکافل از تقاضای بیمه به شدت کاهش خواهد یافت و چه بسا با پدیده انتخاب معکوس مواجه گردد؛ زیرا تنها متکافلان و مشارکت کنندگان با سطح ریسک بالا متقاضی تکافل خواهند شد که ریسک نکول و ورشکستگی شرکت را فزونی خواهد بخشید. در چنین وضعیتی سهامداران خود به‌تنهایی بار مالی قرض‌الحسنه را متحمل می‌شوند تا از بروز چنین مشکلی جلوگیری نمایند.

در الگوی تکافل عمومی با الگوی مضاربه، هنوز میان مجتهدان دینی در این مورد که آیا شریک بودن همه‌ی مشارکت‌کنندگان و متصدی تکافل در وجوه بیمه‌شدگان و مازاد درآمد دستمزدهای بیمه‌ی اتکایی شرعی است یا غیرشرعی، اختلاف وجود دارد؛ اما اجماع بر آن است که بهتر است درآمد دستمزدهای بیمه توزیع نشود (Billah,2033, p.79).

در اینجا نکته‌های وجود دارد که باید بدان اشاره شود؛ تکافل عمومی از این جهت که تنها در حساب تبرع (هبه) ذخیره می‌شود و به دو حساب جداگانه تقسیم نمی‌شود، با تکافل خانواده متفاوت است. مسأله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود، توزیع و تقسیم مازاد بین بیمه‌گزاران است. اگر بپذیریم تمام حق بیمه‌های پرداختی به عنوان تبرع باشد، پس تقسیم سود و مازاد بین بیمه‌گزاران بی‌معناست و نباید صورت بگیرد. بنابراین، شرکت‌های تکافل عمومی نیز، باید همانند تکافل خانواده حق بیمه‌ها را در دو حساب جداگانه نگه دارند. یعنی حق بیمه‌های دریافتی به دو حساب شرکتکنندگان و حساب ویژه شرکت‌کنندگان، تقسیم می‌شود. البته واضح است که به علت ماهیت ریسک‌ها و

حوادث در تکافل عمومی و به علت کوتاه‌مدت بودن دوره، اکثر حق بیمه‌ها در حساب ویژه شرکت‌کنندگان نگهداری می‌شود. زمانی که حادث‌های برای بیمه‌گزار پدید آید، جبران خسارت از حساب شرکت‌کنندگان بیمه‌گزار پرداخت می‌شود و در صورت بیشتر بودن میزان جبران خسارت از آن، مابه تفاوت از کل حساب ویژه شرکت‌کنندگان پرداخت می‌شود. درصورتی که برای بیمه‌گزار حادث‌های رخ ندهد، مازاد که قرار است بین بیمه‌گزاران تقسیم شود، از حساب شرکت‌کنندگان پرداخت می‌شود. البته در همین حالت ممکن است، به خاطر این که دوره بیمه کوتاه مدت است و سرمایه‌گذاری و کسب سود ممکن نباشد، بدین شکل رفتار شود که اگر مازادی وجود داشت، شرکت تصمیم بگیرد که میزان حق عضویت برای تجدید تکافل را کاهش دهد و از این امر برای تشویق و کمک غیرمستقیم به بیمه‌گزاران استفاده کند، نه این که مازاد را مستقیماً به آنها برگرداند.

۸. ویژگی‌های منحصربه‌فرد و مزایای هم‌افزایی الگوی ترکیبی

الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت، فراتر از جمع ساده دو عقد، دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد و مزایای هم‌افزایی است که در هیچ‌یک از الگوهای منفرد قابل دستیابی نیست. این ویژگی‌ها نه‌تنها نقاط ضعف الگوهای منفرد را پوشش می‌دهند، بلکه قابلیت‌های جدیدی برای پاسخ به نیازهای پیچیده و متنوع صنعت بیمه اسلامی ایجاد می‌کنند. در این بخش، به تحلیل عمیق این ویژگی‌ها و نحوه تحقق آنها می‌پردازیم.

۸-۱. تنوع و پایداری منابع درآمد

مهم‌ترین ویژگی منحصربه‌فرد الگوی ترکیبی، ایجاد تنوع در منابع درآمد شرکت تکافل است. در این الگو، شرکت از دو منبع درآمدی کاملاً متفاوت بهره‌مند می‌شود: درآمد متغیر از سهم سود مضاربه و درآمد نسبتاً ثابت از حق‌الوکاله. این تنوع، مزایای متعددی دارد که در الگوهای منفرد وجود ندارد. در الگوی مضاربه محض، اگر سرمایه‌گذاری‌ها به هر دلیلی (رکود اقتصادی، بحران مالی یا انتخاب‌های نادرست) سودآور نباشند، شرکت هیچ درآمدی نخواهد داشت و حتی ممکن است ملزم به تأمین قرض‌الحسنه برای صندوق شود. این وضعیت می‌تواند به ورشکستگی شرکت منجر شود. در مقابل،

در الگوی وکالت محض، شرکت فقط حق‌الوکاله ثابت دریافت می‌کند و از سودهای بالقوه سرمایه‌گذاری که ممکن است بسیار قابل توجه باشد، محروم است.

الگوی ترکیبی این دو افراط را متعادل می‌کند. در شرایط رونق اقتصادی و سودآوری بالای سرمایه‌گذاری‌ها، شرکت از سهم سود مضاربه بهره‌مند می‌شود. در شرایط رکود یا زیان سرمایه‌گذاری‌ها، حق‌الوکاله حداقل درآمدی را تضمین می‌کند که امکان ادامه فعالیت و ارائه خدمات را فراهم می‌آورد. این ساختار درآمدی، نوعی «بیمه طبیعی» برای خود شرکت تکافل ایجاد می‌کند که پایداری و استمرار خدمات را تضمین می‌نماید.

۸-۲. انعطاف‌پذیری در طراحی محصولات

ویژگی منحصربه‌فرد دیگر، انعطاف‌پذیری بی‌نظیر در طراحی محصولات متنوع تکافل است. در الگوی ترکیبی، می‌توان نسبت‌های مختلف مضاربه و وکالت را برای محصولات مختلف تنظیم کرد. برای مثال، در تکافل خانواده که ماهیت بلندمدت و سرمایه‌گذاری محور دارد، می‌توان سهم بیشتری از وجوه را به مضاربه اختصاص داد (مثلاً ۷۰ درصد مضاربه و ۳۰ درصد برای پوشش ریسک). در مقابل، در تکافل عمومی کوتاه‌مدت، مانند بیمه اتومبیل، بخش عمده وجوه برای پوشش خسارات نگهداری می‌شود و فقط مازاد موقت برای سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود (۲۰ درصد مضاربه و ۸۰ درصد ذخیره خسارت).

این انعطاف‌پذیری همچنین امکان تنظیم محصولات بر اساس ترجیحات مختلف مشترکین را فراهم می‌کند. برای مشترکینی که ریسک‌گریز هستند، می‌توان محصولاتی با نسبت پایین مضاربه و حق‌الوکاله ثابت طراحی کرد. برای مشترکین ریسک‌پذیر که به دنبال بازدهی بالاتر هستند، نسبت مضاربه را می‌توان افزایش داد. این سطح از customization در الگوهای منفرد امکان‌پذیر نیست.

۸-۳. شفافیت ساختاری و تفکیک حسابداری

الگوی ترکیبی به دلیل ماهیت دوگانه خود، ایجاب می‌کند که سیستم حسابداری دقیق و شفافی برقرار شود. این شفافیت اجباری، یکی از مزایای مهم این الگو است.

حساب‌های مربوط به وجوه سرمایه‌گذاری (مضاربه)، حساب‌های مربوط به صندوق خسارات (وکالت)، حق‌الوکاله دریافتی، سود سرمایه‌گذاری، و سهم شرکت و مشترکین، همگی باید به‌صورت مجزا نگهداری شوند. این تفکیک چند فایده مهم دارد: اولاً، مشترکین می‌توانند دقیقاً ببینند که حق اشتراک آنها چگونه تخصیص یافته و هر بخش چه عملکردی داشته است. این شفافیت، اعتماد را افزایش می‌دهد و یکی از دغدغه‌های اصلی در بیمه‌های اسلامی را که عدم شفافیت در استفاده از وجوه است، حل می‌کند. ثانیاً، نهادهای نظارتی می‌توانند به راحتی عملکرد شرکت را در هر یک از نقش‌هایش ارزیابی کنند. آیا شرکت به‌عنوان مضارب، سرمایه‌گذاری‌های مناسبی انجام داده؟ آیا به‌عنوان وکیل، خسارات را به‌موقع و عادلانه پرداخت کرده؟ این سؤالات با وجود تفکیک حسابداری به‌راحتی قابل پاسخ هستند. ثالثاً، در صورت بروز اختلاف یا دعوی، مستندات شفاف و تفکیک‌شده، حل‌وفصل را تسهیل می‌کنند (Fisher, 2013, pp. 124-129).

۸-۴. حل نوآورانه مسئله ضمان

یکی از پیچیده‌ترین مسائل در تکافل، تضمین پرداخت خسارات با حفظ ماهیت امانی عقود اسلامی است. الگوی ترکیبی راه‌حل نوآورانه‌ای برای این معضل ارائه می‌دهد. در این الگو، شرکت می‌تواند از محل حق‌الوکاله دریافتی، «صندوق ذخیره ضمانت» تشکیل دهد. این صندوق که از درآمد ثابت حق‌الوکاله تأمین می‌شود، به‌عنوان بالشتک حفاظتی برای مواقع کسری صندوق اصلی عمل می‌کند. این مکانیزم، بدون آنکه ماهیت امانی عقود را تغییر دهد یا شرکت را ضامن مطلق قرار دهد، عملاً تضمینی برای پرداخت خسارات ایجاد می‌کند (محقق‌داماد، ۱۳۷۴، ج۱، صص. ۲۹۸-۳۱۲). علاوه بر این، الگوی ترکیبی امکان ایجاد لایه‌های متعدد حمایتی را فراهم می‌کند: لایه اول، صندوق خسارات اصلی، لایه دوم، بخشی از سود سرمایه‌گذاری مشترکین، لایه سوم، صندوق ذخیره از محل حق‌الوکاله، لایه چهارم، قرض‌الحسنه از صندوق سهامداران شرکت و لایه پنجم، تکافل اتکایی. این ساختار چندلایه که در الگوی ترکیبی امکان‌پذیر است، احتمال نکول را به حداقل می‌رساند.

۸-۵. توازن بهینه انگیزه‌ها

الگوی ترکیبی توازن منحصربه‌فردی در انگیزه‌های اطراف مختلف ایجاد می‌کند. در الگوی مضاربه محض، تضاد شدیدی بین منافع شرکت (حداکثر کردن سود سرمایه‌گذاری) و مشترکین (حداقل کردن ریسک) وجود دارد. در الگوی وکالت محض، شرکت انگیزه‌ای برای بهبود عملکرد سرمایه‌گذاری ندارد، اما در الگوی ترکیبی، شرکت از یک سو انگیزه دارد که سرمایه‌گذاری‌ها را بهینه کند (برای افزایش سهم سود مضاربه) و از سوی دیگر، انگیزه دارد که ریسک‌ها را کنترل کند (برای حفظ ثبات صندوق و دریافت مستمر حق‌الوکاله). این توازن انگیزشی، منافع بلندمدت شرکت را با منافع مشترکین همسو می‌کند (Hussain & Pasha, 2011, pp. 28-35).

۸-۶. قابلیت تطبیق با شرایط اقتصادی متغیر

ویژگی مهم دیگر الگوی ترکیبی، قابلیت تطبیق با شرایط متغیر اقتصادی است. در دوران رونق اقتصادی، می‌توان نسبت مضاربه را افزایش داد تا از فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهره برد. در دوران رکود، می‌توان با کاهش نسبت مضاربه و افزایش ذخایر، از ریسک‌ها کاست. این انعطاف‌پذیری دینامیک، در الگوهای منفرد که ساختار ثابتی دارند، وجود ندارد. همچنین، امکان تعدیل نسبت‌های حق‌الوکاله و سهم سود مضاربه در دوره‌های مختلف (البته با توافق طرفین)، ابزار مدیریتی قدرتمندی برای تطبیق با شرایط بازار فراهم می‌کند.

۹. پیشنهادات

۱) همانگونه که بیان شد، نهاد تکافل که جایگزین بیمه‌های متعارف در کشورهای اسلامی است، به دلیل صحیح بودن عقد بیمه، جایگاهی در صنعت بیمه کشور ندارد، ولی اولاً نبود نهاد بیمه در صنعتی خاص (خصوصاً اگر آن صنعت پر خطر باشد)، مانع گسترش و رونق آن صنعت می‌شود و از انگیزه فعالیت عاملان اقتصادی آن صنعت می‌کاهد. بنابراین، ارائه پوشش‌های بیمه‌های در صنایع راهبردی و ملی بسیار حائز اهمیت است. در صورتی که ساختارهای شرکت‌های بیمه به صورت سه عاملی باشد تضاد منافع بین بیمه‌گذاران و بیمه‌گر (سهامداران شرکت بیمه)

در مـواردی تشـدید و هـدف حداکثرسازی سود توسط بیمه‌گر دنبال می‌شود. در فضای خطر و بیمه، منافع بیمه‌گر مانع از پذیرش فعالیت‌های صنعت با خطر بالا می‌شود. بنابراین، در چنین شرایطی سرمایه‌گذاران و کارآفرینـان خطـر گریـز از ورود بـه صـنایع راهبـردی و پرخطـر خودداری می‌کنند. نیاز به بیمه و ارائه پوشش‌های بیمه‌های کامل در صنایع پرخطر و راهبـردی لازم اسـت. از سـوی دیگـر، خطر ورشکستگی بیمه‌گران در صنایع پرخطر با عنایت به حاشیه سود پایین و گاهی منفـی ایـن صـنایع، بسـیار بـالا اسـت. بنابراین، برای جبران خلاء خطر در این عرصه، استفاده از تکافل به عنوان جایگزینی مناسب پیشـنهاد مـی‌شـود. در تکافـل که اصل تبرع و تعاون در آن نمود حداکثری دارد، ایجاد سود هدف اصلی نیست، بلکه هدف، ارائه خدمات و توانمنـدی در ارائه خدمات مالی در زمان وقوع خسارت مـی‌باشـد. بنـابراین، بـه نظـر مـی‌رسـد دولـت مـی‌توانـد بـا تشـویق تأسـیس شرکت‌های تکافل در این عرصه و حمایت از این گونه شـرکت‌هـا هـم بـه صـورت آزمایشـی و محـدود، ایـن نهـاد را در صنعت بیمه کشور وارد سازد و هم از صنعت تولیدی مدنظر که از دغدغه‌های سیاست‌های کلان اقتصادی است، حمایت کند؛ ثانیاً با توجه به تجربه کشورهای اسلامی در به‌کارگیری و عملکرد مطلـوب آن خصوصـاً در افـزایش ضـریب نفـوذ بیمه عمر، پیشنهاد می‌گردد که این نهاد در صنعت بیمه کشور استفاده شود و قوانین و مقررات کشور مـالزی بـه عنـوان کشـوری موفق و پیشرو در صنعت تکافل می‌تواند در تقنین راجع به تکافل در کشور راهگشا باشد.

۲) مبنای برادری تکافل ایجاب می‌کند که شیعیان جهان در جهت تقویت نهاد تکافل، تحت پوشش این نهـاد قـرار گیرنـد، تـا پایه‌ای در جهت برقراری اقتصاد اسلامی در جهان شود. از سوی دیگر، ایجاد این نهاد در کشور باعث خواهد شد، ابهامـات و اشکالات موجود در مسائل حقوقی و فقهی تکافل به توسط فقه امامیه نیز مورد مداقه قرار گیرد.

۳) با عنایت به استدلالاتی که در گذشته در خصوص انفکاک یا وحدت نهادهای تکافل و بیمه متعارف در کشور بیـان شـد، پیشنهاد می‌شود به صورت آزمایشی این نهاد در داخل نهاد بیمه مرکزی کشور باشد، ولی شـرکت‌هـای تکافـل بتواننـد بـه

صورت اختصاصی وارد عرصه تکافل گردند و همچنین شرکت‌های بیمه متعارف نیز بتوانند محصـولات تکافـل را نیـز در صنعت بیمه عرضه کنند.

نتیجه‌گیری

پس از واکاوی ابعاد گوناگون نهاد تکافل در مقایسه با بیمه‌های متعارف، این نتیجه به دست می‌آید که تکافل نه‌تنها از حیث مبانی فقهی، بلکه از منظر ساختار حقوقی و قابلیت اجرایی در نظام اقتصادی ایران، گزینه‌ای کارآمد، شرعی و عدالت‌محور به شمار می‌آید. آنچه تکافل را از بیمه متعارف متمایز می‌سازد، تغییر پارادایم از «انتقال خطر به‌صورت معاوضی» به «اشتراک خطر از راه تعاون و تبرع» است؛ همین ویژگی بنیادین، موجب شده است که نقدهای وارد بر بیمه متعارف از سوی برخی فقهای امامیه که بر باطل بودن تحمّل خطر دارای ارزش اقتصادی تأکید دارند، نسبت به تکافل وارد نباشد. از سوی دیگر، در فقه اهل سنت نیز این نهاد در چارچوب مقاصد شریعت (حفظ مال، نفس و عقل) ارزیابی مثبتی دارد و به عنوان ابزاری هم‌سو با اهداف شرعی شناخته می‌شود. از این رو، در شرایطی که ملاحظات اقتصادی (مانند کارایی، کاهش هزینه سرانه و مدیریت بهینه ریسک) و ملاحظات سیاسی (مانند حمایت از تولید ملی، توسعه مالی اسلامی و کاهش وابستگی به نظام‌های بیمه‌ای غیرشرعی) مطرح باشد، تکافل بر بیمه متعارف اولویت آشکاری پیدا می‌کند. اما پذیرش تکافل در ایران، صرفاً به تطابق فقهی آن محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم رعایت مجموعه‌ای از اصول اختصاصی است که آن را از صرف یک قرارداد مالی مشابه بیمه، به نهادی مبتنی بر اخلاق، انصاف و شفافیت تبدیل می‌کند. مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از: ۱) اصل تبرع در پرداخت حق اشتراک، که هدف آن خروج از ماهیت معاوضی (داد و ستد خطر در برابر پول) و ورود به فضای مشارکت نیکوکارانه و همیارانه است، ۲) اصل تعاون میان مشترکان، که در جبران خسارت وارده به یکدیگر تجلّی می‌یابد و رابطهٔ مشترکان با صندوق تکافل را به‌جای رابطه بیمه‌گر و بیمه‌شده، به رابطه شرکا یا اعضای یک صندوق تعاونی شرعی تبدیل می‌کند، ۳) اصل تعاون در سطح نهادی که شامل تعاون شرکت تکافل با صندوق از راه پرداخت قرض‌الحسنه در زمان کسری و بازپرداخت آن از مازاد سال‌های آتی، و نیز تعاون میان شرکت‌های تکافل از راه انعقاد قراردادهای اتکایی شرعی برای جبران

خسارت‌های کلان است، ۴) اصل عدالت در تفکیک حساب‌های مالی، به‌گونه‌ای که مشترکان هر صندوق بر اساس نوع خطر و سطح تعهدات، حساب مستقل و شفافی داشته باشند تا هیچ‌گونه تبعیض یا اجحاف مالی رخ ندهد، ۵) اصل امانی‌بودن ید شرکت تکافل که به موجب آن، شرکت نه‌تنها در سرمایه‌گذاری بخشی از دارایی صندوق در بازارهای مالی اسلامی (مانند صکوک، مضاربه و مشارکت مدنی) مسئولیت امانی دارد، بلکه در فعالیت‌های شبیه‌بیمه‌گری، مدیریت دعاوی و اداره روزمره صندوق نیز ملزم به رعایت بالاترین سطح امانت‌داری و شفافیت است و ۶) اصل حاکمیت احکام شرعی بر تمامی فعالیت‌های مالی، سرمایه‌گذاری و بیمه‌گریِ تکافل، که ضامن مشروعیت دائمی این نهاد در بستر نظام حقوقی مبتنی بر شریعت است.

در سطح ساختاری، تمامی الگوهای شناخته‌شده‌ی تکافل (اعم از وکالتی، مضاربه‌ای و ترکیبی) اشتراکات بنیادینی دارند که از آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: الف) قصد مشترکان مبنی بر تحت‌تکفل قرار دادن یکدیگر در برابر خسارت‌های احتمالی، ب) اشتراک در خطر و تقسیم بار مالی آن میان تمامی اعضا، ج) اعطای نیابت به شرکت تکافل برای سرمایه‌گذاری وجوه صندوق در بازارهای مالی اسلامی و مشارکت در سود حاصل، د) پرداخت خسارت به زیان‌دیدگان از محل صندوق، ه) انعقاد قراردادهای اتکایی برای مدیریت خطرهای بزرگ، و) شخصیت حقوقی مستقل برای صندوق تکافل به‌عنوان ظرفی جدا از شرکت و ز) الزام شرکت به تأمین قرض‌الحسنه در زمان کسری و بازپرداخت آن از مازادهای آتی. با این حال، نباید از نظر دور داشت که همه این نیات و مقاصد را نمی‌توان در قالب یک عقد واحد گنجاند؛ زیرا ساختار تکافل شامل سه رکن مستقل «مشترکان»، «صندوق تکافل» و «شرکت تکافل» است که میان آنها پنج رابطه‌ی حقوقی قابل تشخیص وجود دارد. از میان این پنج رابطه، تنها سه عقد مستقل و معیّن در نظام حقوقی ایران قابلیت شناسایی و پذیرش دارند؛ هرچند ماهیت هر یک نیازمند تحلیل دقیق حقوقی براساس قواعد عمومی قراردادهاست.

در خصوص ماهیت صندوق تکافل، بررسی‌ها نشان می‌دهد که این صندوق از جنس «مال مشاع نسلی» است؛ به این معنا که اموال موجود در آن، به‌طور مشترک میان همه مشترکان حاضر و آینده تعلق دارد و هرگونه تصرف در آن باید با رضایت جمعی و براساس اصول تعاون و عدالت صورت گیرد. همچنین، مازاد باقی‌مانده از صندوق در

پایان هر دوره قراردادی، نباید به‌عنوان سود شرکت تلقی شود، بلکه متعلق به مشترکان است و باید میان آنها تقسیم گردد، مگر اینکه به‌صورت صریح برای مصارف خیریه یا تقویت صندوق در دوره‌های آینده توافق شده باشد.

با تجمیع مبانی یادشده، می‌توان به پرسش اصلی این پژوهش پاسخ داد که «نهاد تکافل تا چه اندازه با مبانی فقه امامیه و قواعد حقوقی ایران سازگار است و با چه نهادهایی قابل تطبیق است؟» پاسخ آن است که تکافل در فقه امامیه بر پایه اصاله‌الصحه (اصل صحت) قابل پذیرش است؛ زیرا ارکان آن با قواعد عمومی عقود و ممنوعیت‌های شرعی (مانند ربا، غرر و میسر) در تعارض نیست. در حقوق ایران نیز به‌دلیل عدم تعارض با قواعد آمره (از جمله قواعد مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه) و با استناد به اصل آزادی قراردادی مندرج در مادهٔ ۱۰ قانون مدنی و نیز اصل صحت که بر همه عقود حاکم است، تمامی الگوهای تکافل به جزء الگوی وقف که ماهیت غیرقابل انحلال و غیرقابل بازگشت دارد و ممکن است با برخی اصول حاکم بر شرکت‌های تجاری ناسازگار افتد، می‌توانند در نظام حقوقی ایران به‌رسمیت شناخته شوند و به کار گرفته شوند.دبنابراین، تکافل نه‌تنها از منظر فقهی و حقوقی امکان‌پذیر است، بلکه به‌عنوان مدلی بومی، اسلامی و عدالت‌محور، می‌تواند پاسخگوی نیازهای مالی، بیمه‌ای و سرمایه‌گذاری جامعه مسلمان ایران باشد، مشروط بر آنکه نظارت شرعی مستمر، شفافیت مالی و استقلال صندوق از شرکت تکافل به‌دقت رعایت شود و قوانین و مقررات متناسب با آن، در چارچوب نظام بانکی و بیمه‌ای کشور، تدوین و اجرا گردد. این نهاد در صورت پشتیبانی قانونی و نهادی، ظرفیت آن را دارد که به‌تدریج به الگویی جایگزین یا مکمل برای بیمه‌های متعارف تبدیل شود و گامی مؤثر در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی، عدالت مالی و توسعه پایدار بر اساس ارزش‌های اسلامی بردارد.

کتابنامه:

۱) *قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۰۷). با اصلاحات و الحاقات بعدی.

۲) آقامهدوی، اصغر، اسمعیلی‌گیوی، حمیدرضا، مجتبی، کاکاوند (۱۳۸۸). بررسی الگوهای بیمه اسلامی (تکافل) مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی (فقه امامیه). *جستارهای اقتصادی ایران*، ۶(۱۲)، ۱۲۱–۱۴۸.

۳) ابن‌ادریس‌حلی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۴) الهی، محمد (۱۳۹۹). تحلیل حقوقی و فقهی عقود وقف و وکالت از نظام تکافل در مالزی و ایران، *پژوهش‌های حقوقی میان‌رشته‌ای*، ۱(۳)، ۱۶-۳۱.

۵) امیرپور، حامد (۱۳۹۷). بررسی مبانی فقهی و حقوقی بیمه تکافل و مقایسه آن با عقود مشابه. *دانش حقوق مدنی*، ۷(۱)، ۶۹-۸۲.

۶) ایروانی، محمدباقر (۱۴۲۷ق). *دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری*. قم: مؤسسة الفقه للطباعة و النشر.

۷) بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۱۳ق). *الحدائق الناضرة فی أحکام العترة الطاهرة*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

۸) جمالیزاده، احمد (۱۳۸۰). *بررسی فقهی عقد بیمه*. قم: بوستان کتاب.

۹) خرازی، محسن (۱۴۲۳ ق). *البحوث الهامة فی المکاسب المحرمة*. قم: مؤسسه در راه حق.

۱۰) خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۰۹ق). *مبانی العروة الوثقی*. قم: منشورات مدرسة دار العلم.

۱۱) سبحانی، جعفر (۱۳۸۹). *رسائل فقهیة*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

۱۲) شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۴ق). *مسالک الافهام*. بی‌جا: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

۱۳) صالحی، نعیمه‌السادات (۱۳۹۴). *بررسی فقهی حقوقی الگوی مطلوب تکافل در ایران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم).

۱۴) طباطبائی‌یزدی، سید محمدکاظم (۱۳۹۲). *العروة الوثقی فیما تعم به البلوی*. تهران: دینا.

۱۵) طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. تهران: المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.

۱۶) عثیمن، محمد (۱۴۲۲ق). *عقیدة أهل السنة والجماعة*. المدینة المنورة: الجامعة الأسلامیة.

۱۷) قره‌داغی، علی محیی‌الدین (۱۴۲۳ق). *التأمین الإسلامی*. بیروت: دار البشائر الإسلامیة.

۱۸) کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). *دوره حقوق مدنی*. تهران: گنج دانش.

۱۹) کیخای فرزانه، محمدامین، اسماعیلی، محسن، عسکری، محمدمهدی (۱۳۹۴). تکافل خانواده در قالب الگوی وکالت از دیدگاه فقه امامیه، عامه و حقوق ایران. *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۴۸(۱)، ۱۲۳-۱۵۲.

۲۰) لطفیان، مهدی، مرادپور، سعید، دستوری، مجتبی (۱۴۰۴). طراحی الگوی تأسیس و مدیریت ریسک صندوق‌های ریسک تکافل. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۵(۱)، ۲۱۱–۲۴۸.
۲۱) محقق‌داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۴). *قواعد فقه*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۲) محمدی، مهدی (۱۳۹۵). *الگوی بهینه تکافل بر مبنای فقه امامیه از منظر ذی‌نفعان* (رساله دکتری، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام).
۲۳) نجفی‌خوانساری، موسی بن محمد (۱۴۱۴ق). *منیة الطالب فی شرح المکاسب (تقریرات درس میرزا محمدحسین نائینی)*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۴) نجفی، محمدحسن (۱۳۹۲ق). *جواهرالکلام*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.

References:

1) *Civil Law of the Islamic Republic of Iran. (1928). With subsequent amendments and additions [In Persian]*.
2) Aghamahdavi, A., Esmaeili Givi, H., & Kakavand, M. (2009). A study of Islamic insurance models (Takaful) based on Mudaraba from the operational and jurisprudential mechanisms (Imamiyyah jurisprudence). *Iranian Journal of Economic Essays*, 6(12), 121–148 [In Persian].
3) Al Bahrani, Y. I. A. (1992). *Al Hada'iq al Nadirah fi Ahkam al Itrah al Tahirah*. Islamic Publication Office [In Arabic].
4) Al Ilahi, M. (2020). Legal and jurisprudential analysis of Waqf and Wakalah contracts from the Takaful system in Malaysia and Iran. *Interdisciplinary Legal Research*, 1(3), 16–31 [In Persian].
5) Al Irawani, M. B. (2006). *Durus Tamhidiyah fi al Fiqh al Istidlali ala al Mahdhab al Ja'fari*. Al Fiqh Foundation for Printing and Publishing [In Arabic].
6) Al Kharrazi, M. (2002). *Al Buhuth al Hammah fi al Makasib al Muharramah*. Dar Al Haqq Institute [In Arabic].
7) Al Khoei, A. (1988). *Mabani al Urwah al Wuthqa*. Dar Al Ilm School Publications [In Arabic].
8) Al Othaymeen, M. (2001). *Aqidah Ahl al Sunnah wa al Jama'ah*. Islamic University of Madinah [In Arabic].
9) Al Qaradaghi, A. M. (2002). *Al Ta'min al Islami*. Dar Al Basha'ir Al Islamiyyah [In Arabic].
10) Al Tusi, M. I. H. (1968). *Al Mabsut fi Fiqh al Imamiyyah*. Al Maktabah Al Murtadawiyyah [In Arabic].
11) Amirpour, H. (2018). Study of jurisprudential and legal foundations of Takaful insurance and its comparison with similar contracts. *Civil Law Knowledge*, 7(1), 69–82 [In Persian].
12) Bank Negara Malaysia. (2019). *Takaful operational framework*. Central Bank of Malaysia.
13) Billah, M. M. (2003). *Islamic and modern insurance: Principles and practices*. Ilmiah Publishers.

14) Fisher, O. C. (2013). *A Takaful primer: Basics of Islamic insurance*. Thomson Reuters.
15) Hussain, M. M., & Pasha, A. T. (2011). Conceptual and operational differences between General Takaful and conventional insurance. *Australian Journal of Business & Management Research*, 1(8), 23–35.
16) Ibn Idris al-Hilli, M. I. A. (1989). *Al Sarah'ir al Hawi li Tahrir al Fatawa*. Islamic Publication Office [In Arabic].
17) Islamic Financial Services Board [IFSB]. (2013). *IFSB-14: Standard on risk management for takaful (Islamic insurance) undertakings*. IFSB.
18) Jaffer, S. (Ed.). (2007). *Islamic insurance: Trends, opportunities and the future of takaful*. Euromoney Books.
19) Jamalizadeh, A. (2001). *Jurisprudential study of insurance contract*. Bustan-e Ketab [In Persian].
20) Katouzian, N. (2012). *Civil law course*. Ganj-e Danesh [In Persian].
21) Keikhay Farzaneh, M. A., Esmaeili, M., & Askari, M. M. (2015). Family Takaful in the framework of Wakalah model from the perspective of Imami jurisprudence, Sunni jurisprudence, and Iranian law. *Jurisprudence and Foundations of Islamic Law*, 48(1), 123–152 [In Persian].
22) Lotfian, M., Moradpour, S., & Dastouri, M. (2025). Designing a model for the establishment and risk management of Takaful risk funds. *Islamic Finance Research*, 15(1), 211–248 [In Persian].
23) Mohaghegh Damad, M. (1995). *Rules of jurisprudence*. Islamic Sciences Publication Center [In Persian].
24) Mohammadi, M. (2016). *Optimal model of Takaful based on Imami jurisprudence from the perspective of stakeholders* (Doctoral dissertation, Imam Sadiq University) [In Persian].
25) Najafi, M. H. (1972). *Jawahir al Kalam*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah [In Arabic].
26) Najafi Khansari, M. I. M. (1993). *Munyah al Talib fi Sharh al Makasib*. Islamic Publication Office [In Arabic].
27) Salehi, N. (2015). *Jurisprudential and legal study of the optimal Takaful model in Iran* (Master's thesis, University of Qom) [In Persian].
28) Salman, S. A. (2013). Contemporary Islamic options for insurance: A comparative study. *Journal of Islamic Banking and Finance*, 30(3), 335–345.
29) Shahid al-Thani, Z. I. A. (1993). *Masalik al Afham*. Islamic Sciences Academy [In Arabic].
30) Sobhani, J. (2010). *Rasa'il Fiqhiyyah*. Imam Sadiq Institute [In Arabic].
31) Tabataba'i Yazdi, M. K. (2013). *Al Urwah al Wuthqa fi ma Ta'ammu bihi al Balwa*. Dina [In Arabic].